



Exploring the Lived Experiences of Street Vendors in Isfahan in Response to Urban Management Policies

Hasanreza Yosofvand^{1*}, Azimeh Al-Sadat Abdollahi²

1- Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abstract: Street vending, as a part of the informal economy, poses complex challenges for urban management in developing cities. This qualitative study aimed to explore the lived experiences of street vendors in Isfahan in response to urban management policies. Using a thematic analysis approach, data were collected through semi-structured in-depth interviews with a purposive sample of 20 street vendors (12 men, 8 women), selected to ensure diversity in gender, work experience, and areas of activity. Interviews were conducted in the first half of 2024 across three districts: Chaharbagh, Naqsh-e Jahan, and Malekshahr. Data were analyzed following Braun and Clarke's (2006) thematic analysis method, using in-depth semi-structured interviews as the primary data collection tool. Findings were categorized into three main themes: spatial and regulatory exclusion, economic pressure and daily survival, and resistance and the assertion of the right to the city. Results indicated that removal-oriented municipal policies, including evictions and property confiscation, reinforced feelings of neglect and humiliation among street vendors. Economic pressures, particularly for household heads, transformed their lives into a daily struggle for survival. Nevertheless, street vendors resisted through creative strategies such as relocation and networking, asserting their presence as a matter of citizenship rights. Gender and work experience influenced patterns of resistance, with women and experienced vendors exhibiting more sustained forms of resistance. This study emphasizes the necessity of more equitable policy-making to recognize street vendors as integral to the urban economy and culture, and suggests that future research focus on gender analysis, longitudinal studies, and the potential for collective organization.

Key Words: Street Vending, Urban Management, Right to the City, Spatial Exclusion, Social Resistance.

بررسی تجربه زیسته دست‌فروشان اصفهان در مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری

حسن رضا یوسفوند^{۱*}، عظیمه السادات عبدللهی^۲

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱

چکیده

دست‌فروشی به عنوان بخشی از اقتصاد غیررسمی، چالش‌هایی پیچیده را برای مدیریت شهری در شهرهای در حال توسعه ایجاد می‌کند. این پژوهش کیفی با هدف بررسی تجربه زیسته دست‌فروشان شهر اصفهان در مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری انجام شد. با رویکرد تحلیل مضمون، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌ای شامل ۲۰ دست‌فروش (۱۲ مرد، ۸ زن) گردآوری شدند که با روش نمونه‌گیری هدفمند برای تضمین تنوع در جنسیت، سابقه کار و مناطق فعالیت انتخاب شدند. مصاحبه‌ها در نیمه نخست ۱۴۰۳ در سه منطقه چهارباغ، نقش جهان و ملک‌شهر انجام شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و با ابزار اصلی گردآوری داده، یعنی مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، انجام شد. یافته‌ها در سه مضمون اصلی دسته‌بندی شدند: طرد فضایی و انتظامی‌سازی شهر، فشار اقتصادی و بقای روزانه، مقاومت و ادعای حق به شهر. نتایج نشان داد سیاست‌های حذف‌محور شهرداری، از جمله اخراج‌ها و مصادره اموال، احساس بی‌تعلقی و تحقیر را در دست‌فروشان تقویت می‌کنند. فشارهای اقتصادی، به ویژه برای سرپرستان خانوار، زندگی آنها را به مبارزه‌ای روزانه برای بقا تبدیل کرده‌اند. با این حال، دست‌فروشان با راهبردهای خلاقانه مانند تغییر مکان و شبکه‌سازی، مقاومت و حضور خود را به عنوان حقی شهروندی ادعا می‌کنند. تفاوت‌های جنسیتی و سابقه کار بر الگوهای مقاومت تأثیر دارند؛ زنان و باتجربه‌ها مقاومت‌هایی پایدارتر نشان می‌دهند. این مطالعه بر ضرورت سیاست‌گذاری عادلانه‌تر برای به رسمیت شناختن دست‌فروشان به عنوان بخشی از اقتصاد و فرهنگ شهری تأکید دارد و پیشنهاد می‌دهد پژوهش‌های آینده بر تحلیل جنسیتی، مطالعات طولی و پتانسیل سازمان‌دهی جمعی تمرکز کنند.

واژه‌های کلیدی: دست‌فروشی، مدیریت شهری، حق به شهر، طرد فضایی، مقاومت اجتماعی.

* Corresponding Author: Hasanreza Yosofvand

E-mail address: yosofvand@pnu.ac.ir, a_abdelahi@pnu.ac.ir



2588-4867/ © 2025 University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

مقدمه

دست‌فروشی به عنوان یکی از پدیده‌های چندوجهی و برجسته در فضاهای شهری، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، چالش‌هایی پیچیده را برای مدیریت شهری و سیاست‌گذاران ایجاد کرده است. این فعالیت که بخشی از اقتصاد غیررسمی است، نقشی مهم در تأمین معیشت اقشار کم‌درآمد ایفا می‌کند، اما معمولاً با سیاست‌های پردکننده و انتظامی‌سازی مواجه می‌شود که حضور دست‌فروشان در فضاهای عمومی را محدود می‌کنند (Bhowmik, 2005; Bromley, 2000). این سیاست‌ها نه فقط پیامدهای اقتصادی، بلکه تأثیراتی عمیق بر تجربه زیسته، هویت فضایی و حقوق شهروندی دست‌فروشان دارند (Roever, 2014).

در شهرهایی با اهمیت تاریخی و فرهنگی، مانند آنچه در بسیاری از شهرهای جنوب جهانی مشاهده می‌شود، سیاست‌های مدیریت شهری عمدتاً تحت تأثیر اهداف زیباسازی و نظم‌دهی به فضاهای شهری قرار دارند (Öz & Eder, 2012). این رویکردها، همان‌طور که در مطالعه نظارت بر اقتصاد غیررسمی^۱ در شهرهایی مانند احمدآباد، لیما و دوربان گزارش شده است، با اخراج‌ها، مصادره کالاهای آزارواذیت‌های مداوم همراه هستند که به کاهش درآمد، از دست رفتن دارایی‌ها و افزایش فشارهای اقتصادی بر دست‌فروشان منجر می‌شوند (Roever, 2014). در چنین بستری، دست‌فروشان با ناامنی شغلی و طرد فضایی مواجه می‌شوند که دسترسی آنها به فضاهای عمومی شهری را محدود می‌کند (Roy, 2005).

از دیدگاه نظری، حضور دست‌فروشان در فضاهای شهری می‌تواند از طریق چارچوب «حق به شهر» تحلیل شود که بر دسترسی برابر همه شهروندان به فضاهای عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری تأکید دارد (Roy, 2005). با این حال، سیاست‌های شهری که دست‌فروشان را به عنوان مانعی برای توسعه مدرن شهری تلقی می‌کنند، این حق را نقض می‌کنند (Öz & Eder, 2012). بررسی مطالعه نظارت بر اقتصاد غیررسمی^{۱۱} نشان می‌دهد در شهرهایی مانند احمدآباد، اخراج‌ها و مصادره‌ها به طرزی گسترده گزارش شده‌اند و این اقدامات نه فقط بر درآمد، بلکه بر بهره‌وری و دارایی‌های دست‌فروشان تأثیر منفی می‌گذارند (Roever, 2014). این وضعیت، دست‌فروشان را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای

حفظ معیشت خود به راهبردهای مقاومتی روی می‌آورند، از جمله تغییر مکان‌های فروش، کاهش موجودی کالا، یا سازمان‌دهی جمعی از طریق سازمان‌های مبتنی بر عضویتⁱⁱⁱ مانند انجمن زنان خوداشتغال^{iv} در احمدآباد یا انجمن فروش خیابانی^v در لیما (Roever, 2014; Roever & Sinha, 2011).

در شهر اصفهان، به عنوان شهری با اهمیت تاریخی و گردشگری، انتظار می‌رود سیاست‌های مدیریت شهری مشابه آنچه در شهرهای مورد مطالعه (مانند احمدآباد و لیما) گزارش شده است، با هدف نظم‌دهی و زیباسازی فضاهای عمومی، دست‌فروشان را به حاشیه برانند. این سیاست‌ها احتمالاً با اخراج‌های مکرر، مصادره کالاهای و محدودیت‌های دسترسی به فضاهای شهری همراه هستند که تجربه زیسته دست‌فروشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، فقدان مطالعات جامع در زمینه تأثیر این سیاست‌ها بر تجربه زیسته دست‌فروشان در بستر محلی اصفهان، فقر پژوهشی جالب توجهی را نشان می‌دهد.

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل چگونگی شکل‌گیری تجربیات دست‌فروشان در مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری در شهر اصفهان انجام شده است. اهمیت این موضوع از آن نظر است که درک عمیق‌تر از تجربیات دست‌فروشان می‌تواند به طراحی سیاست‌های شهری عادلانه‌تر و انسانی‌تر منجر شود تا نه فقط از حذف این گروه جلوگیری کند، بلکه زمینه‌های بهبود کیفیت زندگی و ارتقای حقوق شهروندی آنها را فراهم آورد (Bromley, 2000; Roever & Sinha, 2011). همچنین، این مطالعه می‌تواند به پرکردن خلأهای موجود در ادبیات پژوهش درباره تعامل میان سیاست‌های شهری و تجربیات دست‌فروشان در بسترهای محلی کمک کند و به توسعه ادبیات نظری مرتبط با حق به شهر و مقاومت شهری در زمینه‌های محلی یاری رساند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

مطالعه دست‌فروشی فقط محدود به بررسی آن به عنوان یک فعالیت اقتصادی یا مسأله مدیریت شهری نیست، بلکه نیازمند فهم عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری فضا، روابط قدرت و حقوق شهروندی در شهرهای معاصر است. شهر نه یک

هاروی نیز در همین راستا، اقتصاد غیررسمی را نه یک «بخش حاشیه‌ای»، بلکه جزئی از سازوکارهای بازتولید سرمایه‌داری شهری می‌داند (Harvey, 2008). او معتقد است دست‌فروشی در واقع پاسخی خلاقانه به بحران‌های انباشت سرمایه و طرد فضایی است.

۲. نظریه حق به شهر

این نظریه بر دسترسی برابر همه شهروندان به فضاهای عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری تأکید دارد. دست‌فروشان به عنوان بخشی از اقتصاد غیررسمی، حق حضور در فضاهای شهری را دارند، اما سیاست‌های طردکننده مانند اخراج و جابه‌جایی این حق را محدود می‌کنند (Roever, 2014). چنین سیاست‌هایی معمولاً برای جذب سرمایه‌گذاری و زیباسازی شهر اجرا می‌شوند که منجر به طرد فضایی دست‌فروشان می‌شود (Oz & Eder, 2012).

لفبور (۱۹۹۶) حق به شهر را «فریاد و مطالبه‌ای برای زندگی شهری دگرگون‌شده» می‌داند. از دید او، شهر باید بر اساس نیازهای زندگی روزمره و روابط اجتماعی بازتعریف شود، نه صرفاً برای منافع سرمایه.

میچل (۲۰۰۳) این ایده را گسترش می‌دهد و بر اهمیت «حق به فضای عمومی» تأکید می‌کند. او می‌گوید فضاهای عمومی مکان‌هایی حیاتی برای ابراز حقوق شهروندی هستند و طرد دست‌فروشان از این فضاها به معنای حذف آنان از شهروندی فعال است.

هاروی (۲۰۱۲) نیز حق به شهر را نه یک حق فردی، بلکه حقی جمعی می‌بیند که فقط از طریق کنش جمعی می‌تواند به بازآفرینی فرایندهای شهری‌سازی منجر شود. در بستر اصفهان، سیاست‌های زیباسازی شهرداری به طور مستقیم حق دست‌فروشان در استفاده از فضاهای عمومی را نقض و احساس بی‌تعلقی آنان به شهر را تشدید می‌کند.

۳. نظریه مقاومت اجتماعی

دست‌فروشان در برابر سیاست‌های طردکننده از راهبردهای روزمره و غیررسمی برای حفظ معیشت خود استفاده می‌کنند. داده‌های مطالعه نظارت بر اقتصاد غیررسمی در هند نشان می‌دهند در شهرهایی مانند احمدآباد و لیمّا، دست‌فروشان از طریق سازمان‌های مبتنی بر عضویت مانند انجمن زنان

ظرف حثی، بلکه محصولی اجتماعی و سیاسی است که در بستر آن، گروه‌های مختلف برای حضور، بقا و تأثیرگذاری بر فضا مبارزه می‌کنند.

از این دیدگاه، دست‌فروشی را باید در پیوند با مفاهیمی کلان‌تر همچون تولید اجتماعی فضا (لفبور^{vi})، عدالت فضایی و حق به شهر (میچل^{vii}) و حق جمعی برای بازآفرینی فرایندهای شهری‌سازی (هاروی) درک کرد. این دیدگاه‌ها به ما کمک می‌کنند تا دست‌فروشی را نه صرفاً به عنوان «شغلی غیررسمی»، بلکه به عنوان پدیده‌ای فضایی-اجتماعی و سیاسی تحلیل کنیم که هم‌زمان، بازتابی از نابرابری‌های ساختاری و عرصه‌ای برای مقاومت و بازتعریف حقوق شهروندی است.

بر این اساس، مبانی نظری پژوهش حاضر بر ترکیب چند رویکرد بنا شده است: اقتصاد غیررسمی، حق به شهر، مقاومت اجتماعی، مدیریت شهری، امنیت شغلی و غیررسمیت شهری که در پرتو اندیشه‌های لّفبور، میچل و هاروی^{viii} بازخوانی و توضیح داده می‌شوند. در ادامه، هر یک از این نظریه‌ها و مفاهیم به تفصیل بررسی می‌شوند.

۱. نظریه اقتصاد غیررسمی و دست‌فروشی

اقتصاد غیررسمی شامل فعالیت‌هایی است که خارج از چارچوب‌های قانونی و رسمی انجام می‌شوند و معمولاً فاقد حمایت‌های اجتماعی و حقوقی هستند (Vanek et al., 2014). دست‌فروشی به عنوان یکی از بارزترین اشکال اقتصاد غیررسمی، به دلیل سهولت ورود و نیاز به سرمایه اندک، برای اقشار کم‌درآمد جذاب است (Bhowmik, 2005). پژوهش‌ها نشان می‌دهند در کشورهای جنوب جهانی، بیش از نیمی از اشتغال غیرکشاورزی به اقتصاد غیررسمی اختصاص دارد و دست‌فروشی بخشی جالب توجه از آن را تشکیل می‌دهد (Vanek et al., 2014). با این حال، سیاست‌های شهری که گرایش به حذف یا انتظامی‌سازی دست‌فروشان دارند، آسیب‌پذیری این گروه را افزایش می‌دهند (Roever, 2014).

لفبور اقتصاد غیررسمی را در پیوند با «تولید فضا» تحلیل می‌کند. از دید او، فضا نه صرفاً ظرف فعالیت‌های اقتصادی، بلکه محصول روابط اجتماعی و روزمره است (Lefebvre, 1996). بنابراین، دست‌فروشی را می‌توان به مثابه بخشی از «تولید اجتماعی فضا» دانست که در تضاد با فضاهای برنامه‌ریزی‌شده برای سرمایه و طبقات مسلط قرار دارد.

۵. مفهوم امنیت شغلی و فشار اقتصادی

دست‌فروشان، به دلیل ناپایداری درآمد و فقدان حمایت‌های اجتماعی، در معرض فشارهای شدید اقتصادی قرار دارند. اخراج‌ها، مصادره کالا و جریمه‌ها به کاهش درآمد و از دست رفتن دارایی‌ها منجر می‌شوند (Bromley, 2000; Roever, 2014). این وضعیت احساس ناامنی و بی‌ثباتی در زندگی آنان ایجاد می‌کند. میچل (۲۰۰۳) باور دارد حذف گروه‌های حاشیه‌ای از فضای عمومی نه فقط حق آنان را نقض می‌کند، بلکه امنیت شغلی و معیشتی آنان را تهدید می‌کند. هاروی نیز این وضعیت را بازتابی از منطق سرمایه‌داری می‌داند که از طریق طرد و بی‌ثبات‌سازی نیروی کار، زمینه انباشت سرمایه را فراهم می‌کند.

۶. نظریه غیررسمیت شهری

غیررسمیت شهری وضعیتی پویا و پیچیده است که در تعامل با ساختارهای رسمی شکل می‌گیرد (Roy, 2005). دست‌فروشی نه فقط یک فعالیت اقتصادی، بلکه پدیده‌ای سیاسی و فضایی است که می‌تواند اشکالی جدید از مقاومت و حکمرانی را ایجاد کند. لقبور غیررسمیت را بخشی از «زندگی روزمره» می‌بیند که در برابر سازمان‌دهی فضایی سرمایه مقاومت می‌کند. هاروی این تعامل را نمونه‌ای از تضاد میان منطق سرمایه‌داری و نیازهای زیست روزمره می‌داند. میچل نیز تأکید دارد فضاهای غیررسمی مانند بازارهای دست‌فروشی، عرصه‌ای برای بازتعریف حقوق شهروندی و مقاومت علیه طرد رسمی هستند. این چارچوب مفهومی به تحلیل تجربیات دست‌فروشان در بستر تعامل بین ساختارهای رسمی و غیررسمی در اصفهان کمک می‌کند.

پیشینه پژوهشی

دست‌فروشی، به عنوان یکی از پدیده‌های شاخص اقتصاد غیررسمی شهری، نه فقط منبع درآمدی برای اقشار آسیب‌پذیر است، بلکه با چالش‌هایی همچون طرد فضایی، سیاست‌های حذف‌محور و تأثیرات منفی بر دیدگاه شهری نیز همراه است. در ایران، به ویژه در اصفهان، افزایش بیکاری و فقر به رشد دست‌فروشی منجر شده، اما مدیریت شهری معمولاً رویکردهای انتظامی را در پیش گرفته که این امر آسیب‌پذیری دست‌فروشان را تشدید کرده است. این پیشینه با تحلیل منابع

خوداشتغال و فدرال^x، به اقدامات جمعی همچون مذاکره با مقامات یا پیگیری دعاوی حقوقی روی می‌آورند (Roever, 2014). همچنین، تغییر مکان فروش یا کاهش موجودی کالا به عنوان راهبردهای انفرادی برای مقابله با آزارواذیت‌ها گزارش شده‌اند.

لقبور مقاومت را جزئی از تولید فضا می‌داند: شهروندان با مبارزات روزمره در بازتولید فضا مشارکت می‌کنند (Lefebvre, 1996).

میچل (۲۰۰۳) بر مقاومت حاشیه‌نشینان علیه جرم‌انگاری و کنترل شدید فضاهای عمومی تأکید می‌کند و آن را بخشی از مبارزه برای عدالت اجتماعی می‌بیند.

هاروی (۲۰۰۸؛ ۲۰۱۲) نیز مقاومت را سوخت «انقلاب شهری» می‌داند و معتقد است جنبش‌های دست‌فروشان، هرچند کوچک، بخشی از مبارزه جهانی برای بازپس‌گیری شهر از منطق سرمایه‌داری هستند. در این چارچوب، تاکتیک‌های خرد دست‌فروشان در اصفهان را می‌توان نمونه‌ای از «سلاح‌های ضعیفان» دانست که بار سیاسی و اجتماعی جدی دارد.

۴. نظریه مدیریت شهری و توزیع منابع فضایی

مدیریت شهری نقشی کلیدی در تخصیص منابع فضایی و تنظیم روابط شهری دارد. سیاست‌های طردکننده دست‌فروشان معمولاً تحت تأثیر منافع گروه‌های قدرتمند و اهداف سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرند (Oz & Eder, 2012). اخراج‌های گسترده در شهرهایی مانند قاهره و لواندا برای ایجاد شهرهای «مدرن» و «بهداشتی»، دست‌فروشان را مانعی برای سرمایه‌گذاری می‌دانند (Oz & Eder, 2012). این امر به بازتولید نابرابری‌های فضایی و اقتصادی می‌انجامد (Bromley, 2000). لقبور باور دارد مدیریت شهری در بطن خود «پزشکی فضا» را پیش می‌برد که معمولاً در خدمت منطق سرمایه است (Lefebvre, 1991). هاروی نیز توضیح می‌دهد این سیاست‌ها بخشی از فرایند «انباشت از طریق سلب مالکیت» هستند؛ جایی که فضاهای عمومی از فرودستان گرفته و به سرمایه‌داران واگذار می‌شوند (Harvey, 2008). در نتیجه، مدیریت شهری به بازتولید روابط قدرت و طرد دست‌فروشان کمک می‌کند.

چارچوبی برای تحلیل وضعیت دست‌فروشان است. شیندلر^{xvi} (۲۰۱۶) در هند نشان داده است قانون حمایت از معیشت دست‌فروشان به دلیل اجرای ناقص، آسیب‌پذیری را کاهش نداده است. روور و اسکینر^{xvii} (۲۰۱۶) نیز در احمدآباد و لیما به نقش سازمان‌دهی جمعی در بهبود سیاست‌ها اشاره کرده‌اند؛ اما در ایران، طاهری تفتی (۱۴۰۰) نشان داده است سیاست‌های رسمی‌سازی نیازهای واقعی دست‌فروشان را نادیده گرفته و به بازگشت آنها به خیابان‌ها منجر شده‌اند. این مطالعات معمولاً به جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی محدود شده‌اند و فاقد تحلیلی یکپارچه هستند؛ ضمن اینکه نقش مثبت دست‌فروشی در سرزندگی شهری کمتر در آنها مورد توجه قرار گرفته است.

چارچوب مفهومی پژوهش

پدیده دست‌فروشی در شهرهای معاصر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، صرفاً یک فعالیت اقتصادی غیررسمی نیست، بلکه باید آن را به عنوان مسأله‌ای فضایی، اجتماعی و سیاسی تحلیل کرد که در بستر روابط قدرت، بازتوزیع منابع و مبارزه برای حقوق شهروندی شکل می‌گیرد. در این پژوهش، از رویکردی تلفیقی استفاده می‌شود که بر پایه مفاهیمی همچون اقتصاد غیررسمی، حق به شهر، مقاومت اجتماعی، مدیریت شهری، امنیت شغلی و غیررسمیت شهری بنا شده است و در پرتو اندیشه‌های لنبور، میچل و هاروی صورت‌بندی می‌شود. این چارچوب به ما امکان می‌دهد دست‌فروشی را به عنوان عرصه‌ای برای بروز تضادهای ساختاری میان سرمایه‌داری شهری، سیاست‌های نظم‌بخش و زیست‌جهان فرودستان تحلیل کنیم.

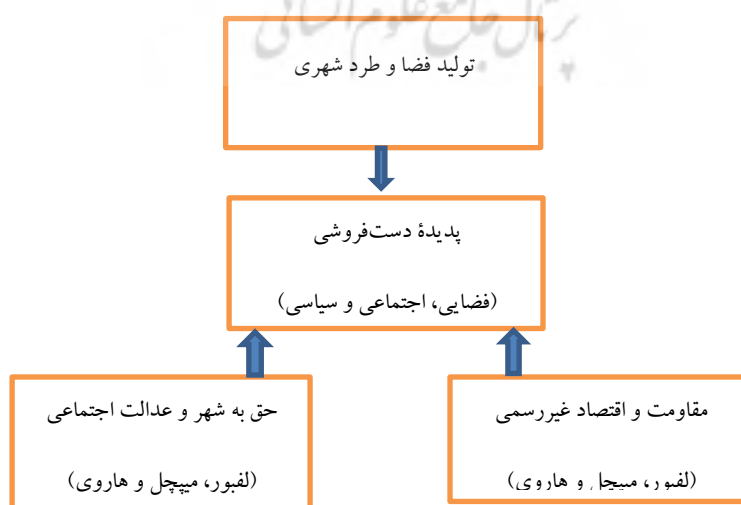
بر اساس نظریه تولید فضا لنبور (۱۹۹۱)، فضا یک ظرف خنثی نیست، بلکه محصول روابط اجتماعی، سیاسی و روزمره است. از این دیدگاه، مداخلات شهری مانند طرح‌های نوسازی و سیاست‌های زیباسازی، بازتولید فضاهایی هستند که به سود سرمایه و گردشگری طراحی می‌شوند و در نتیجه، به طرد گروه‌های حاشیه‌ای از فضای عمومی می‌انجامند (Friendly, 2013; Harvey, 2008, 2012; Oz & Eder, 2012). لنبور این فرایند را بخشی از بازاریابی شهری برای حل بحران‌های انباشت سرمایه می‌داند و تأکید می‌کند طرد دست‌فروشان را باید در پیوند با بازسازی فضایی برای تثبیت نظم سرمایه‌داری فهم کرد.

معتبر بین‌المللی و داخلی، مطالعات پیشین را بررسی و خلأهای پژوهشی را شناسایی می‌کند. مطالعات نشان می‌دهند دست‌فروشی در کاهش فقر مؤثر است؛ به گفته ویشنو و ناشر^x (۲۰۲۴) در هند، دست‌فروشان ۴/۲ درصد از اشتغال شهری و ۵۰ درصد از پس‌اندازهای ملی را تأمین می‌کنند و برای اقشار فقیر نقش یک راهبرد بقا را دارند. طالب‌پور (۱۳۹۴) در تهران نیز نیاز مالی و استقلال کاری را انگیزه‌های اصلی دست‌فروشی مردان دانسته است. اما این مطالعات کمتر به تأثیرات بلندمدت سیاست‌های شهری مانند جابه‌جایی به بازارچه‌های رسمی توجه داشته‌اند که به گفته طاهری تفتی (۱۴۰۰)، به دلیل نبود زیرساخت مناسب معمولاً ناموفق بوده و معیشت دست‌فروشان را تهدید کرده است. تجربه زیسته دست‌فروشان نیز مورد توجه بوده است؛ محبی و حیدری (۱۴۰۰) با مفهوم «غریبه» زیمل^{xi}، دست‌فروشان را گروهی سیال و محروم از حقوق شهروندی توصیف کرده‌اند. صادقی فسایی و اجورلو (۱۳۹۱) نیز نشان داده‌اند دست‌فروشی برای زنان مترو در تهران، علاوه بر معیشت، عزت‌نفس را تقویت می‌کند، اما تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در این مطالعات محدود است. سیاست‌های مدیریت شهری عمدتاً حذف‌محور بوده‌اند؛ رضایی و نجاری نابی (۱۴۰۳) به مشکلات منظر شهری و ترافیک ناشی از دست‌فروشی اشاره کرده و رویکردهای مشارکتی را پیشنهاد داده‌اند. در سطح جهانی چیو و ژانگ^{xii} (۲۰۲۲) و در هنگ‌کنگ و سنگاپور، بر سیاست‌های انسان‌محور مانند ایجاد بازارچه‌های منظم تأکید کرده‌اند، اما آدوان^{xiii} (۲۰۱۱) در اکرا نشان داده است جابه‌جایی به بازارهای رسمی به دلیل عدم دسترسی و سودآوری با مقاومت مواجه شده است. نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۴) نیز در لنگرود سامان‌دهی در حاشیه شهر را پیشنهاد داده‌اند، اما تأثیرات اجتماعی این جابه‌جایی‌ها را بررسی نکرده‌اند. مقاومت دست‌فروشان نیز برجسته است؛ هانسر^{xiv} (۲۰۱۶) در چین به مقاومت‌های روزمره و حمایت عمومی رهگذران اشاره کرده است و تاکر و دولین^{xv} (۲۰۱۹) در نیویورک و پاراگوئه نشان داده‌اند عدم قطعیت قوانین فضایی را برای کنشگری ایجاد می‌کند، اما نابرابری‌ها را بازتولید می‌کند. خادمی گراشی و اکبری (۱۴۰۳) نیز جذابیت‌های اجتماعی دست‌فروشی برای مصرف‌کنندگان ایرانی را بررسی کرده‌اند، اما کمتر به مقاومت خود دست‌فروشان توجه کرده‌اند. مفهوم «حق به شهر» لنبور (۱۹۹۶)

می‌داند و بر اهمیت مبارزات خرد در شکل‌گیری دموکراسی شهری تأکید می‌کند. میچل (۲۰۰۳) نیز مقاومت حاشیه‌نشینان را به عنوان تلاشی برای بازپس‌گیری فضاهای عمومی و دفاع از حقوق شهروندی تفسیر می‌کند. هاروی (۲۰۱۲) این مقاومت‌ها را بخشی از جنبش‌های عدالت شهری و انقلاب شهری می‌بیند که در پیوند با حق به شهر، ظرفیت تغییر ساختارهای شهری را دارند. مطالعات موردی نشان می‌دهند تاکتیک‌هایی همچون تغییر مکان، کاهش موجودی کالا و شبکه‌سازی، نه فقط راهبردهای بقا، بلکه اشکالی از مطالبه حق به شهر نیز هستند (Roever, 2014; Vanek et al., 2014). در اصفهان، ضعف سازمان‌های جمعی موجب شده است مقاومت بیشتر به صورت فردی بروز کند، اما همچنان می‌توان آن را در چارچوب «سلاح‌های ضعیفان» و به مثابه بخشی از مبارزه جمعی برای بازپس‌گیری شهر فهم کرد (Harvey, 2008).

به این ترتیب، چارچوب مفهومی این پژوهش (شکل ۱) با اتکا به اندیشه‌های لنبور، میچل و هاروی، دست‌فروشی را به مثابه پدیده‌ای فضایی-اجتماعی تفسیر می‌کند که در آن، سه محور به صورت درهم‌تنیده حضور دارند: تولید فضا و طرد شهری، حق به شهر و عدالت اجتماعی و مقاومت در دل اقتصاد غیررسمی. این تلفیق نشان می‌دهد خیابان صرفاً عرصه مبادله اقتصادی نیست، بلکه میدان کشاکش میان دولت، سرمایه و فرودستان است؛ جایی که مسأله بقا، عدالت اجتماعی و بازآفرینی فضا در هم تنیده می‌شوند.

مفهوم حق به شهر که نخستین بار توسط لنبور (۱۹۶۸)، (۱۹۹۶) طرح شد، این امکان را فراهم می‌کند تا دست‌فروشی را نه صرفاً شغلی غیررسمی، بلکه شکلی از مطالبه‌گری برای حضور در فضاهای عمومی تحلیل کنیم. از دید لنبور، حق به شهر «فریادی برای زندگی شهری نوین» است؛ حقی که هم دسترسی برابر به فضاهای عمومی و هم مشارکت در تولید فضا را شامل می‌شود. میچل (۲۰۰۳)، با تمرکز بر عدالت اجتماعی، این حق را به حوزه سیاسی بسط می‌دهد و فضاهای عمومی را مکان‌هایی برای بیان حقوق شهروندی و مقاومت گروه‌های حاشیه‌ای می‌داند. او تأکید می‌کند جرم‌انگاری فعالیت‌های بقا و اخراج دست‌فروشان نقض آشکار حقوق شهروندی است (Mitchell & Heynen, 2009). هاروی (۲۰۰۸) نیز با تعریف حق به شهر به عنوان حقی جمعی، آن را عرصه‌ای برای بازآفرینی فرایندهای شهری‌سازی از طریق کنش جمعی معرفی می‌کند. در بستر اصفهان، می‌توان این چارچوب را برای فهم این موضوع به کار گرفت که چگونه سیاست‌های زیباسازی و نظم‌بخشی شهرداری در عمل به حذف دست‌فروشان و نقض حق آنان برای حضور در فضاهای عمومی منجر می‌شوند و احساس بی‌تعلقی و نابرابری فضایی را بازتولید می‌کنند (Roever, 2014). از سوی دیگر، دست‌فروشان فقط به صورت منفعل در برابر این سیاست‌ها عمل نمی‌کنند، بلکه از راهبردهای مقاومت روزمره و شبکه‌های اجتماعی برای حفظ حضور خود بهره می‌گیرند (Addi, 2016; Sharma & Konwar, 2014). لنبور (۱۹۶۸) مقاومت را بخشی جدایی‌ناپذیر از تولید فضا



شکل ۱- مدل چارچوب مفهومی این پژوهش

زیسته زنان دست‌فروش (مانند صادقی فسایی و اجورلو، ۱۳۹۱؛ رفعت‌جابه و ربیعی، ۱۳۹۵)، تحلیل جامع تأثیر متغیرهای دموگرافیک مانند جنسیت، سن، تحصیلات و وضعیت تأهل بر تجربیات دست‌فروشان در شهر فرهنگی و تاریخی اصفهان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. دوم، بیشتر مطالعات در ایران مقطعی هستند و اثرات بلندمدت سیاست‌های مدیریت شهری مانند جابه‌جایی به بازارچه‌های رسمی یا اخراج‌های مکرر بر معیشت و کیفیت زندگی دست‌فروشان را بررسی نکرده‌اند که این امر درک پایداری این سیاست‌ها را محدود کرده است. سوم، در حالی که مطالعات بین‌المللی (eg. Roever & Skinner, 2016) بر نقش سازمان‌دهی جمعی در بهبود شرایط دست‌فروشان تأکید دارند، در ایران، به ویژه در اصفهان، ظرفیت‌های کنشگری جمعی و سازمان‌های مبتنی بر عضویت کمتر بررسی شده‌اند. چهارم، تحلیل عمیق مبتنی بر ویژگی‌های محلی شهرهای تاریخی و گردشگری مانند اصفهان که تعاملی خاص میان سیاست‌های شهری و تجربیات دست‌فروشان ایجاد می‌کند، به صورت محدود انجام شده است. پنجم، بسیاری از مطالعات از چارچوب‌های نظری عام استفاده کرده‌اند و نیاز به توسعه نظریه‌های متناسب با واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران احساس می‌شود. این خلأها ضرورت انجام پژوهشی متمرکز بر تجربیات زیسته دست‌فروشان در اصفهان را با رویکردی چندوجهی و توجه به متغیرهای جنسیتی، دموگرافیک و پتانسیل‌های کنشگری جمعی نشان می‌دهند تا به درک عمیق‌تر این پدیده و ارائه سیاست‌های عادلانه‌تر کمک کند.

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف کشف و درک عمیق تجربه زیسته دست‌فروشان شهر اصفهان در مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری طراحی شده است. تحلیل مضمون به عنوان روش انتخاب شد. مبنای کار شش پرسش اصلی باز بود که بر اساس رویکرد حق به شهر تدوین شدند: (۱) انگیزه‌ها و مسیر ورود به دست‌فروشی، (۲) تجربه روزانه فعالیت در فضای شهری، (۳) مواجهه با مأموران شهرداری و احساسات ناشی از آن، (۴)

شکل (۱) چارچوب مفهومی پژوهش را به صورت یک مدل نظری ارائه می‌دهد که پدیده دست‌فروشی در شهر اصفهان را به عنوان یک مسئله فضایی-اجتماعی و سیاسی تحلیل می‌کند. این چارچوب بر سه محور اصلی استوار است: تولید فضا و طرد شهری، حق به شهر و عدالت اجتماعی و مقاومت در دل اقتصاد غیررسمی. محور تولید فضا و طرد شهری، با تکیه بر نظریه لغبور (۱۹۹۱) و هاروی (۲۰۰۸)، نشان می‌دهد سیاست‌های مدیریت شهری در اصفهان، از جمله اخراج دست‌فروشان از مناطق تاریخی مانند چهارباغ و نقش جهان برای زیباسازی و جذب سرمایه، به طرد فضایی این گروه منجر می‌شوند و تجربه زیسته آنها را با فشارهای اقتصادی، ناامنی شغلی و احساس تحقیر شکل می‌دهند. محور حق به شهر، بر اساس اندیشه‌های لغبور (۱۹۶۸)، میچل (۲۰۰۳) و هاروی (۲۰۱۲)، بر مطالبه دست‌فروشان برای حضور برابر در فضاهای عمومی تأکید دارد و نشان می‌دهد سیاست‌های حذف محور شهرداری، حقوق شهروندی آنها را نقض و احساس بی‌تعلقی را در آنها تقویت می‌کنند. این محور تجربه زیسته دست‌فروشان را به عنوان بخشی از مبارزه برای عدالت اجتماعی تحلیل می‌کند.

محور سوم، مقاومت در اقتصاد غیررسمی، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های لغبور، میچل و هاروی، به راهبردهای خلاقانه دست‌فروشان مانند جابه‌جایی مکان فروش، شبکه‌سازی و کاهش موجودی کالا برای مقابله با اخراج و مصادره اشاره دارد. این راهبردها که در نبود سازمان‌های جمعی در اصفهان بیشتر به صورت فردی بروز می‌کنند، بخشی از تجربه زیسته دست‌فروشان را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده تلاش آنها برای حفظ معیشت و مطالبه حق به شهر هستند. در شکل (۱)، این سه محور به صورت گره‌هایی درهم‌تنیده، تعامل میان طرد شهری، نقض حقوق شهروندی و کنش‌های مقاومتی را نشان می‌دهند.

خلأهای پژوهشی

بررسی مطالعات موجود در زمینه دست‌فروشی، به ویژه در ایران و شهرهایی مانند اصفهان، نشان‌دهنده چندین خلأ پژوهشی است که ضرورت انجام این مطالعه را برجسته می‌کنند. نخست، با وجود برخی از پژوهش‌ها درباره تجربه

بودند. برای اطمینان از تنوع فضایی و اجتماعی-اقتصادی، سه منطقه چهارباغ، نقش جهان و ملک شهر انتخاب شدند (جدول ۱).

معیار انتخاب مناطق: این مناطق بر اساس ویژگی‌های متمایز فضایی و شدت تعامل با سیاست‌های مدیریت شهری انتخاب شدند تا نمایندگی انواع فضاهای شهری را تضمین کنند:

چهارباغ: به عنوان یک فضای مرکزی و تجاری با تردد زیاد عابران و گردشگران، نماینده فضاهای شهری پویا و پرتردد است. این منطقه به دلیل موقعیت راهبردی و اهمیت اقتصادی، تحت نظارت شدید شهرداری برای حفظ نظم و زیبایی قرار دارد که فشار بر دست‌فروشان را افزایش می‌دهد.

نقش جهان: به عنوان یک فضای تاریخی و گردشگری با اهمیت فرهنگی جهانی، نماینده فضاهای شهری با هویت تاریخی و جذابیت توریستی است. سیاست‌های زیباسازی و نظامی‌سازی در این منطقه به دلیل حضور گردشگران داخلی و خارجی شدت بیشتری دارند.

ملک شهر: به عنوان یک فضای حاشیه‌ای و مسکونی با بافت اجتماعی-اقتصادی متوسط رو به پایین، نماینده مناطق حاشیه‌ای شهر است. این منطقه به دلیل دوری از مرکز و نظارت کمتر شهرداری، فضایی متفاوت برای دست‌فروشی فراهم می‌کند.

انتخاب این سه منطقه امکان مقایسه تجربه دست‌فروشان در فضاهای شهری با کارکردها و نظارت‌های متفاوت را فراهم کرد که برای انتقال‌پذیری یافته‌ها به سایر کلان‌شهرهای ایران با تنوع فضایی مشابه (مانند تهران یا شیراز) ضروری است. حجم نمونه با اشباع نظری تعیین شد. پس از ۱۵ مصاحبه، الگوهای تکراری در کدها (مانند «ترس از مصادره» و «احساس حقارت») مشاهده شدند. برای اطمینان از اشباع، پنج مصاحبه اضافی (۱۶ تا ۲۰) انجام شدند که هیچ کد جدیدی از آنها استخراج نشد؛ بنابراین، اشباع نظری پس از ۲۰ مصاحبه تأیید شد. مصاحبه‌های اضافی فراتر از این تعداد انجام نشدند، زیرا داده‌های جدید اطلاعات تازه‌ای به تحلیل اضافه نکردند.

راهبردهای مقاومت و سازگاری با فشارهای شهری، (۵) تعریف حق خود به حضور در فضای عمومی و (۶) انتظارات از سیاست‌های شهری آینده. ماهیت پیچیده و ذهنی موضوع که ریشه در تعامل میان کنشگران اجتماعی حاشیه‌ای و ساختارهای رسمی قدرت دارد، رویکرد کیفی را ضروری می‌کند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006) انجام شد که به دلیل انعطاف‌پذیری و توانایی شناسایی الگوهای معنایی در داده‌های کیفی انتخاب شد.

این مطالعه رویکرد کیفی را به کار برد، زیرا با تأکید بر عمق، زمینه‌مندی و تفسیر تجربه‌های ذهنی، کاوش فرایندهایی پیچیده را ممکن می‌کند که با روش‌های کمی قابل بررسی نیستند (Creswell & Poth, 2018, p. 45). این پژوهش به دنبال درک چگونگی شکل‌گیری معانی فضایی، هویت اجتماعی و احساس تعلق مکانی از طریق تعاملات روزانه با نهادهای شهری است. این انتخاب با پرسش اصلی پژوهش، مبنی بر اینکه دست‌فروشان چگونه تجربه مواجهه با سیاست‌های شهرداری را تفسیر و حق خود برای حضور در فضای شهری را تعریف می‌کنند، سازگار است.

جامعه مورد مطالعه: جامعه مورد مطالعه شامل دست‌فروشان شاغل در سطح شهر اصفهان با دست‌کم یک سال سابقه فعالیت و تجربه مستقیم مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری است. اصفهان با جمعیت ۲,۰۴۳,۰۰۰ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲) و به عنوان سومین کلان‌شهر کشور، میزبان تعدادی جالب توجه از دست‌فروشان در مناطق مختلف شهری است. **معیارهای ورود:** دست‌کم یک سال سابقه دست‌فروشی، سن ۱۸-۶۵ سال، تجربه مستقیم مواجهه با مأموران شهرداری، دست‌کم دو سال اقامت در اصفهان.

معیارهای خروج: سن کمتر از ۱۸ یا بیشتر از ۶۵، سابقه کمتر از یک سال، فقدان تجربه مواجهه با شهرداری، یا ناتوانی در مشارکت در مصاحبه.

نمونه‌گیری: نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب افراد با تجربه متنوع از دست‌فروشی و مواجهه با سیاست‌های شهری انجام شد. معیارها شامل تنوع جنسیت (۱۲ مرد، ۸ زن)، منطقه فعالیت، سن (۱۸-۶۵ سال)، نوع کالا (مواد غذایی، پوشاک، لوازم خانگی، صنایع دستی) و میزان درآمد (کم تا متوسط)

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد	جنس	سن	منطقه فعالیت	سابقه (سال)	نوع کالا	وضعیت تأهل	تحصیلات
کد ۱	مرد	۲۶	چهارباغ	۲/۵	مواد غذایی	مجرد	زیردیپلم
کد ۲	مرد	۳۳	نقش جهان	۶	صنایع دستی	متاهل	دیپلم
کد ۳	زن	۲۹	ملک‌شهر	۳	پوشاک	متاهل	زیردیپلم
کد ۴	مرد	۳۷	چهارباغ	۸	مواد غذایی	متاهل	کاردانی
کد ۵	زن	۲۵	نقش جهان	۱/۵	صنایع دستی	مجرد	دیپلم
کد ۶	مرد	۴۴	ملک‌شهر	۱۱	لوازم خانگی	متاهل	زیردیپلم
کد ۷	زن	۳۱	چهارباغ	۴	مواد غذایی	متاهل	دیپلم
کد ۸	مرد	۲۸	نقش جهان	۳	صنایع دستی	مجرد	کارشناسی
کد ۹	مرد	۴۹	ملک‌شهر	۱۳	لوازم خانگی	متاهل	زیردیپلم
کد ۱۰	زن	۳۲	چهارباغ	۲/۵	مواد غذایی	متاهل	دیپلم
کد ۱۱	مرد	۳۶	نقش جهان	۷	صنایع دستی	متاهل	کاردانی
کد ۱۲	زن	۴۳	ملک‌شهر	۹	پوشاک	متاهل	زیردیپلم
کد ۱۳	مرد	۳۵	چهارباغ	۵	مواد غذایی	مجرد	دیپلم
کد ۱۴	زن	۲۷	نقش جهان	۲	صنایع دستی	متاهل	کارشناسی
کد ۱۵	مرد	۵۴	ملک‌شهر	۱۶	لوازم خانگی	متاهل	زیردیپلم
کد ۱۶	زن	۳۸	چهارباغ	۴/۵	مواد غذایی	متاهل	دیپلم
کد ۱۷	مرد	۲۴	نقش جهان	۱	صنایع دستی	مجرد	کارشناسی
کد ۱۸	زن	۴۷	ملک‌شهر	۱۰	پوشاک	متاهل	زیردیپلم
کد ۱۹	مرد	۴۱	چهارباغ	۷/۵	مواد غذایی	متاهل	دیپلم
کد ۲۰	مرد	۳۴	نقش جهان	۴	صنایع دستی	متاهل	کاردانی

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز گردآوری شدند. بازبودن پرسش‌ها امکان انعطاف‌پذیری و کاوش عمیق در تجربه‌های زیسته را فراهم می‌کرد. مصاحبه‌ها با میانگین زمانی حدود ۶۰ دقیقه طراحی شدند تا مشارکت‌کنندگان بتوانند تجربه‌های خود را آزادانه بیان کنند. پرسش‌هایی مانند «چه احساسی از مواجهه با مأموران شهرداری دارید؟» یا «چگونه این مواجهه‌ها بر زندگی روزمره شما تأثیر می‌گذارند؟» به درک معانی ذهنی تجربه‌ها کمک کردند. برای دستیابی به عمق بیشتر، پرسش‌های فرعی متناسب با پاسخ‌ها مطرح شدند. هر گفت‌وگو معمولاً بین ۵۵ تا ۷۵ دقیقه زمان برد و در محیط‌هایی آرام همچون پارک‌ها، کافه‌ها یا محل کار مشارکت‌کنندگان، با رضایت‌نامه کتبی و به صورت ضبط‌شده انجام شد. همچنین، برای ثبت حرکات، حالات چهره و سایر نشانه‌های غیرکلامی، یادداشت‌های میدانی تنظیم شدند.

روش تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها در شش مرحله انجام شد: ابتدا، پژوهشگران با مطالعه مکرر و تدوین کامل متن

مصاحبه‌ها، با داده‌ها آشنا شدند تا درکی عمیق از محتوای آنها به دست آورند. سپس، کدگذاری اولیه انجام شد که منجر به استخراج ۳۸۹ کد اولیه مانند «ترس از پلیس»، «احساس حقارت» و «مقاومت خاموش» شد. در مرحله سوم، کدها بر اساس الگوهای مشترک به مضامین اولیه مانند «تجربه طرد فضایی» گروه‌بندی شدند. در مرحله چهارم، مضامین بازبینی و ادغام شدند تا ساختاری منسجم ایجاد شود. در مرحله پنجم، چهار مضمون اصلی شامل «طرد فضایی و خشونت نمادین»، «راهبردهای مقاومت و بقا»، «بازتعریف حق به شهر» و «تأثیر بر هویت اجتماعی و کرامت انسانی» تعریف و تبیین شدند. ششم، گزارش نهایی با استفاده از نقل‌قول‌های مستقیم از مصاحبه‌ها و تفسیر نظری مبتنی بر چارچوب‌های لیبور، میچل و هاروی نگارش شد. کدگذاری توسط پژوهشگران و دو همکار مستقل انجام شد و ضریب کاپا ۰/۹۱ به دست آمد که نشان‌دهنده توافق زیاد بین کدگذاران است.

تضمین کیفیت تحلیل: برای تضمین کیفیت تحلیل داده‌ها، معیارهای لینکلن و گوبا^{xviii} (۱۹۸۵) شامل اعتبار، اتکاپذیری،

جدول ۲- خلاصه مضامین اصلی و مضامین فرعی

مضامین اصلی	مضامین فرعی	تعداد کدها	توصیف تجربه
طرد فضایی و انتظامی سازی شهر	الف) مواجهه انتظامی شهرداری، ب) مصادره و جمع آوری اجباری، پ) عدم ارائه جایگزین مناسب	۱۷۲	مشارکت کنندگان از مواجهه خشن و انتظامی شهرداری، جمع آوری اجباری وسایل و عدم ارائه فضاهای جایگزین مناسب احساس طرد فضایی می کنند؛ به گونه ای که حضور خود در شهر را نامشروع می بینند.
فشار اقتصادی و بقای روزانه	الف) نگرانی برای امرار معاش، ب) عدم امنیت شغلی و درآمد	۱۳۵	شرکت کنندگان، به ویژه سرپرستان خانوار، با فشار مداوم برای تأمین نیازهای روزانه خانواده و عدم امنیت شغلی، تجربه ای پر از استرس و نگرانی دارند.
مقاومت و ادعای حق به شهر	الف) راهبردهای فرار از کنترل، ب) ادعای حق حضور در فضای عمومی	۸۲	دست فروشان با استفاده از راهبردهای خلاق برای فرار از کنترل شهرداری و ادعای حق طبیعی خود برای حضور در فضای شهری، مقاومتی فعال در برابر سیاست های حذف محور نشان می دهند.

این جدول سه مضمون اصلی را ارائه می دهد: طرد فضایی و انتظامی سازی شهر با مضامین فرعی مواجهه انتظامی شهرداری، مصادره و جمع آوری اجباری و عدم ارائه جایگزین مناسب (۱۷۲ کد، ۴۴/۲ درصد) که با نمونه کد جمع آوری با زور نشان داده شده است؛ فشار اقتصادی و بقای روزانه با مضامین فرعی نگرانی برای امرار معاش و عدم امنیت شغلی و درآمد (۱۳۵ کد، ۳۴/۷ درصد) که با عبارت نان شب خانواده مثال زده شده است؛ و مقاومت و ادعای حق به شهر با مضامین فرعی راهبردهای فرار از کنترل و ادعای حق حضور در فضای عمومی (۸۲ کد، ۲۱/۱ درصد) که با کد اینجا هم حق داریم نمایان شده است. این جدول نشان می دهد طرد فضایی بیشترین تأثیر را دارد و مضامین با تجربه های روزانه و مبارزه برای بقا در هم تنیده اند.

طرد فضایی و انتظامی سازی شهر (۱۷۲ کد، ۴۴/۲ درصد)

طبق جدول (۳)، این مضمون نشان می دهد شهرداری

تأییدپذیری و انتقال پذیری به کار گرفته شدند. برای اطمینان از اعتبار، مضامین استخراج شده به هفت مشارکت کننده ارائه شدند و تأیید آنها دریافت شد. همچنین، تحلیل ها در جلسات منظم با اساتید متخصص جامعه شناسی شهری بازبینی شدند تا از صحت تفسیرها اطمینان حاصل شود. اتکا پذیری از طریق مستندسازی دقیق فرایند کدگذاری و تحلیل در دفترچه حسابرسی و نگهداری یادداشت های بازتابی پژوهشگر برای کاهش سوگیری های احتمالی تأمین شد. تأییدپذیری با ارائه شفاف مراحل پژوهش و استخراج مستقیم نقل قول ها از داده های خام تضمین شد؛ به طوری که خوانندگان بتوانند ارتباط بین داده ها و یافته ها را ردیابی کنند. برای انتقال پذیری، توصیف غنی از زمینه اجتماعی-اقتصادی شهر اصفهان، شامل ویژگی های تاریخی و گردشگری آن و تنوع نمونه (۲۰) دست فروش با تفاوت در جنسیت، سابقه کار و مناطق فعالیت) ارائه شد تا کاربرد مفهومی یافته ها در سایر کلان شهرهای ایران با شرایط مشابه امکان پذیر شود. این معیارها به طور ویژه برای حصول اطمینان از دقت و قابلیت اعتماد تحلیل انتخاب شدند، زیرا تجربه زیسته دست فروشان پدیده ای پیچیده و وابسته به زمینه است که نیازمند تحلیل دقیق و معتبر برای ارائه نتایج قابل اتکا و مرتبط با سیاست گذاری شهری است.

یافته های پژوهش

این پژوهش با هدف واکاوی تجربه های زیسته دست فروشان شهر اصفهان در مواجهه با سیاست های مدیریت شهری انجام شد. در مجموع، ۳۸۹ کد معنایی استخراج شدند که این امر بازتاب دهنده طیفی گسترده از تجربه های دست فروشان بود. این کدها در نهایت در قالب سه مضمون اصلی (جدول ۲) سامان یافتند: «طرد فضایی و انتظامی سازی»، «فشار اقتصادی و بقای روزمره» و «مقاومت و ادعای حق به شهر». نمونه هایی از این کدها عبارت اند از: «جمع آوری با زور از نقش جهان» که به مواجهه های انتظامی شهرداری اشاره دارد؛ «مصادره وسایل در چهارباغ و ترس از مأموران شهرداری» که بُعد روانی و اضطراب روزانه را نشان می دهد؛ «نان شب خانواده ام» که نگرانی های اقتصادی و معیشتی را برجسته می کند؛ «اینجا هم حق داریم باشیم» که بیانگر ادعای حق حضور در فضای عمومی شهر است؛ و «همه جا ما را می رانند» که تجربه طردشدگی در مقیاسی گسترده تر را بازتاب می دهد.

اصفهان، با رویکرد انتظامی و حذف‌محور، نقش کلیدی در خلق احساس طرد و بی‌تعلقی فضایی در میان دست‌فروشان دارد. این طرد از سه طریق رخ می‌دهد: مواجهه انتظامی شهرداری، مصادره و جمع‌آوری اجباری و عدم ارائه جایگزین مناسب.

جدول ۳- جزئیات مضامین فرعی طرد فضایی و انتظامی‌سازی شهر

مضامین فرعی	تعداد کدها و درصد آن	نمونه کدها	نقل قول نمونه	تحلیل و توضیحات
الف: مواجهه انتظامی شهرداری	۷۸ (۲۰/۱)	جمع‌آوری با زور در نقش‌جهان، رفتار بد مأموران، ترس از شهرداری، فحاشی مأموران، تهدید به زندان، مواجهه خشن در چهارباغ، ترساندن با پلیس، بی‌احترامی مأموران، فشار روانی از شهرداری، تحقیر در خیابان، رفتار غیرانسانی، ترس از جریمه، تهدید مداوم، فحش و بدرفتاری، رفتار نامناسب با زنان، ترساندن خانواده، بازداشت موقت و...	کد ۶ (مرد، ۴۴): مأموران شهرداری وقتی میان، مثل دزدا باهامون رفتار می‌کنن، انگار جرمی کردیم که اومدیم نونمون رو در بیاریم.	شهرداری اصفهان با رویکرد انتظامی باعث احساس جرم و تحقیر در دست‌فروشان می‌شود. متاهلان (۱۲ نفر) بیشتر تحت فشار بودند.
ب: مصادره و جمع‌آوری اجباری	۵۲ (۱۳/۴)	مصادره وسایل کار، برداشتن کالاها، از بین بردن غذا، ضبط میز و صندلی، گرفتن پول روز، تخریب غرفه، ضایع کردن محصولات، مصادره ترازو، برداشتن لباس‌ها، ضبط وسایل خانگی، گرفتن صنایع دستی، تخریب چادر، مصادره گل‌ها، ضبط کیف پول، برداشتن میوه‌ها و...	کد ۱۲ (زن، ۴۳): یه بار همه لباس هامو برداشتن، پنج میلیون تومن سرمایه‌م رفت، بچه‌هام اون شب گرسنه خوابیدن.	مصادره اموال نه فقط سرمایه کاری، بلکه امنیت روانی دست‌فروشان را نابود می‌کند. زنان (۸ نفر) از ۱۰ آسیب‌پذیرتر بودند.
پ: عدم ارائه جایگزین مناسب	۴۲ (۱۰/۸)	فضای جایگزین نامناسب، مکان‌های دور از مرکز، عدم امکانات اولیه، اجاره زیاد غرفه، فضای کوچک و نامناسب، عدم دسترسی مشتری، مکان‌های غیرقابل استفاده، فقدان زیرساخت، عدم حمایت شهرداری، مکان‌های متروکه، فضای بدون سرپوش و...	کد ۱۹ (مرد، ۴۱): شهرداری می‌گه برید کنار جاده اصفهان-تهران کار کنید، کی اونجا میاد خرید؟ این مسخره‌بازی چیه؟	فضاهای جایگزین پیشنهادی عملاً غیرقابل استفاده و نشان‌دهنده عدم درک شهرداری از نیازهای دست‌فروشان هستند. افراد با سابقه کار زیاد (+۸ سال، ۶ نفر) بیشتر انتقاد داشتند.

مواجهه انتظامی شهرداری

یکی از مضامین اصلی استخراج‌شده از داده‌ها مواجهه انتظامی و قهری شهرداری با دست‌فروشان است. یافته‌ها نشان می‌دهد شهرداری اصفهان دست‌فروشان را نه به عنوان شهروندانی با حق حضور در فضای عمومی، بلکه به منزله متجاوزان به نظم شهری تلقی می‌کند. این نوع نگاه در اظهارات مشارکت‌کنندگان به روشنی نمایان است. یکی از دست‌فروشان (کد ۶، مرد، ۴۴ ساله، ملک‌شهر) در این باره گفت: «مثل دزدا باهامون رفتار می‌کنن. فقط کم مونده دستبند بزنین».

این تجربه‌ها نشان می‌دهند مواجهه‌های انتظامی حس طرد اجتماعی و بی‌حق‌بودن را در میان دست‌فروشان تقویت و آنان را از احساس شهروندی و تعلق به شهر محروم کرده‌اند. این وضعیت با دیدگاه لغبور درباره «حق به شهر» در تضاد است؛ دیدگاهی که بر دسترسی برابر همه شهروندان به فضاهای شهری تأکید دارد.

مصادره و جمع‌آوری اجباری

موضوع دیگری که در مصاحبه‌ها تکرار شد، مصادره اموال و جمع‌آوری اجباری بساط‌ها توسط نیروهای شهرداری بود. این اقدام نه فقط منبع اصلی درآمد دست‌فروشان را از بین می‌برد، بلکه آثار روانی و حیثیتی شدیدی نیز به همراه دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۲، زن، ۴۳ ساله، ملک‌شهر) با ناراحتی بیان کرد: «بچه‌هام اون شب گرسنه خوابیدن. همه بساطمو بردن، هیچی برام نموند».

این روایت‌ها نشان‌دهنده عمق فاجعه انسانی ناشی از سیاست‌های سلبی شهرداری هستند. مصادره در این معنا نوعی خشونت ساختاری محسوب می‌شود که طبقات فرودست را بیش از پیش به حاشیه می‌راند و چرخه فقر را بازتولید می‌کند.

عدم ارائه جایگزین مناسب

شهرداری گاه برای توجیه رفتارهای خود، پیشنهاد انتقال

این نتیجه بیانگر ارتباط مستقیم تجربه زیسته دستفروشان با عملکرد روزمره شهرداری است. در مقایسه با مطالعات مشابه در سایر شهرهای ایران، در اصفهان به دلیل هویت تاریخی و گردشگری شهر، فشار برای «زیباسازی» و نظم‌بخشی ظاهری بیشتر است؛ عاملی که منجر به سخت‌گیری شدیدتر نسبت به دستفروشان و محدودتر شدن فضای معیشت آنان می‌شود.

فشار اقتصادی و بقای روزانه (کد ۱۳۵، ۳۴/۷ درصد)

طبق جدول (۴)، این مضمون بر فشارهای اقتصادی و نگرانی‌های مداوم دستفروشان برای تأمین نیازهای اولیه زندگی تمرکز دارد.

دستفروشان به فضاهای «جایگزین» را مطرح می‌کند؛ اما شواهد میدانی نشان می‌دهد این فضاها عملاً ناکارآمد هستند. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۹، مرد، ۴۱ ساله، چهارباغ) در این باره گفت: «گفتن برید اونجا بساط کنید، ولی کی اونجا میاد خرید؟ اونجا خلوت‌تر از خونه مونه.»

چنین فضاهایی به جای حل مسأله، به نوعی ابزار حذف تدریجی دستفروشان از فضاهای پرتردد شهری تبدیل شده‌اند. این امر نشان‌دهنده ناتوانی مدیریت شهری در درک ماهیت اقتصادی دستفروشی است که اساس آن بر حضور در نقاط پررفت‌وآمد و تعامل مستقیم با مردم است.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد مضمون «مواجهه انتظامی شهرداری» قوی‌ترین نقش را در شکل‌گیری تجربه منفی دستفروشان داشته است (۴۴/۲ درصد از کل مضامین منفی).

جدول ۴- جزئیات مضامین فرعی فشار اقتصادی و بقای روزانه

مضامین فرعی	تعداد کدها	کدها	نقل قول نمونه	تحلیل و توضیحات
الف: نگرانی برای امرار معاش	۸۱ (۲۰/۸)	نان شب خانواده، پول اجاره خانه، هزینه مدرسه بچه‌ها، درآمد روزانه صفر، نگرانی برای فردا، گرانی زندگی، هزینه دارو و درمان، پول خرید میوه، هزینه حمل‌ونقل، پول گاز و برق، نگرانی برای شب، درآمد کم روزانه، هزینه‌های روزمره، پول صبحانه بچه‌ها، نگرانی مالی مداوم، کمبود پول، هزینه لباس زمستانی، پول نان روزانه، درآمد ناکافی و...	کد ۳ (زن، ۲۹): هر شب که سرم رو می‌ذارم روی بالش، فکر می‌کنم فردا چی بخرم که بچه‌ها سیر بشن، این زندگی خیلی سخته.	فشار مالی مداوم، زندگی دستفروشان را به یک نبرد روزانه برای بقا تبدیل کرده است. سرپرستان خانوار (۱۵ نفر) بیشترین فشار را تجربه می‌کنند.
ب: عدم امنیت شغلی و درآمد	۵۴ (۱۳/۹)	درآمد غیرثابت، نبود بیمه، عدم امنیت شغلی، وابستگی به آب‌وهوا، نوسان قیمت کالا، رقابت شدید، کاهش مشتری، ترس از فردا، نبود پس‌انداز، عدم برنامه‌ریزی، وابستگی به روز، نگرانی از بیماری، عدم حمایت، درآمد ناپایدار، نبود تضمین آینده و...	کد ۱۵ (مرد، ۵۴): شانزده ساله اینجا کار می‌کنم، هنوز نمی‌دونم فردا چی پیش میاد، نه بیمه دارم نه مقرری، فقط به خدا امیدوارم.	عدم امنیت شغلی، احساس ناپایداری و نگرانی از آینده را تشدید می‌کند. افراد مسن‌تر (+۴۵ سال، ۵ نفر) آسیب‌پذیرتر هستند.

نگرانی برای امرار معاش

یکی از مضامین بارز در داده‌ها فشار اقتصادی و دغدغه روزانه دستفروشان برای تأمین نیازهای اولیه خانواده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بسیاری از دستفروشان در چرخه‌ای از فقر قرار دارند که در آن، تمام انرژی آنها صرف بقا و برطرف کردن نیازهای فوری می‌شود و امکان برنامه‌ریزی برای آینده را از آنها سلب می‌کند. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۳، زن، ۲۹ ساله، ملک‌شهر) با بیان دغدغه خود، گفت: «فردا چی بخرم که بچه‌ها سیر بشن؟»

این روایت بیانگر تجربه ملموس «فقر زمانی» است؛ مفهومی که نشان می‌دهد فرد به دلیل محدودیت منابع و فشار اقتصادی نمی‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند و همه تلاش‌هایش معطوف به بقای امروز است.

عدم امنیت شغلی و درآمد

موضوع دیگری که به طور مکرر در مصاحبه‌ها مطرح شد، نبود امنیت شغلی و دسترسی محدود به حمایت‌های اجتماعی است. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۵، مرد، ۵۴ ساله،

محدودیت‌ها را بپذیرند تا زنده بمانند و خانواده خود را از گرسنگی نجات دهند. این مضمون با سایر یافته‌ها درباره محدودیت‌های اجتماعی و مواجهه‌های انتظامی در هم تنیده شده است و تجربه کلی دست‌فروشان را شکل می‌دهد.

مقاومت و ادعای حق به شهر (۸۲ کد، ۲۱/۱ درصد)

طبق جدول (۵)، این مضمون نشان می‌دهد دست‌فروشان در برابر سیاست‌های حذف‌محور منفعل نیستند، بلکه از راهبردهای مختلف برای حفظ حضور خود استفاده می‌کنند.

ملک‌شهر) اظهار داشت: «نه بیمه دارم نه مقرری. اگه یه روز مریض بشم یا اتفاقی بیفته، هیچ‌کس حمایت نمی‌کنه.»

این وضعیت نشان می‌دهد دست‌فروشان خارج از شبکه حمایتی سیستم رفاه اجتماعی قرار دارند و در مواجهه با بیماری، پیری یا حوادث غیرمترقبه بسیار آسیب‌پذیر هستند. عدم وجود بیمه و حمایت احساس نااطمینانی و اضطراب مداوم را در میان آنها تشدید می‌کند.

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد برای دست‌فروشان، حضور در فضای شهری نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت حیاتی است. فشارهای اقتصادی و نیاز به تأمین معیشت باعث می‌شود آنها حاضر باشند ریسک‌های ناشی از مواجهه‌های شهرداری و سایر

جدول ۵- جزئیات مضامین فرعی مقاومت و ادعای حق به شهر

مضامین فرعی	تعداد کدها	کدها	نقل قول نمونه	تحلیل و توضیحات
الف: راهبردهای فرار از کنترل	۵۱ (۱۳/۱)	تغییر مکان سریع، کار شبانه، استفاده از سیگنال خطر، همکاری با همکاران، پنهان کردن کالا، فرار سریع، تغییر ساعت کار، استفاده از نگهبان، کار در گروه، چیدمان سریع، تغییر نوع کالا، کار در کوچه‌های فرعی، استفاده از موتور، کار صبح زود، پخش کردن اعضا، تغییر روز کار، فرار به پارک‌ها، کار در روزهای تعطیل و...	کد ۸ (مرد، ۲۸): ما یه سیستم داریم، یکی مون می‌بینه ماشین شهرداری اومده، بقیه رو خبر می‌کنه، همه فرار می‌کنیم، بعد برمی‌گردیم سر جامون.	دست‌فروشان شبکه‌های همکاری برای مقابله با کنترل شهرداری تشکیل داده‌اند. جوان‌ترها (زیر ۳۵ سال، ۹ نفر) انعطاف‌پذیرتر هستند.
ب: ادعای حق حضور در فضای عمومی	۳۱ (۸/۰)	اینجا هم حق داریم، شهر مال همه است، حق کار کردن، فضای عمومی برای همه، حق زندگی در شهر، شهروند بودن، حق حضور، مالکیت عمومی فضا، حق استفاده از خیابان، تعلق به شهر، حق کسب و کار، شهروندی برابر، حق اشتغال، دسترسی برابر، حق بودن در شهر، مالکیت جمعی فضا و...	کد ۱۴ (زن، ۲۷): این خیابون مال همه ما است، نه فقط مال شهرداری، ما هم حق داریم اینجا باشیم و کار کنیم، مگه چه جرمی کردیم؟	دست‌فروشان حضور خود را حق طبیعی و مشروع می‌دانند. تحصیل کرده‌ها (کارشناسی، ۳ نفر) این ادعا را قوی‌تر مطرح می‌کنند.

راهبردهای فرار از کنترل

یکی از مضامین استخراج شده استفاده دست‌فروشان از شبکه‌های همکاری و راهبردهای فرار برای مقابله با محدودیت‌ها و کنترل‌های شهرداری است. یافته‌ها نشان می‌دهد این راهبردها نه فقط برای حفظ درآمد و بقای اقتصادی، بلکه برای حفظ حضور در فضای شهری ضروری هستند. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۸، مرد، ۲۸ ساله، نقش جهان) این تجربه را چنین بیان کرد: «همه فرار می‌کنیم، بعد برمی‌گردیم سر جامون.» این راهبردها نمونه‌ای از مقاومت روزمره هستند که جیمز اسکات^{xi} آن را «سلاح‌های ضعیفان» می‌نامد و نشان می‌دهد دست‌فروشان در برابر قدرت رسمی، تاکتیک‌های هوشمندانه و غیرمستقیم برای بقا به کار می‌گیرند.

ادعای حق حضور در فضای عمومی

یکی دیگر از جنبه‌های مهم آگاهی دست‌فروشان از حقوق شهروندی و تلاش برای ادعای حضور در فضاهای عمومی است. یکی از مشارکت‌کنندگان (کد ۱۴، زن، ۲۷ ساله، نقش جهان) اظهار داشت: «این خیابون مال همه ماست.» این نقل‌قول نمایانگر درک آنها از «حق به شهر» لغبور است؛ مفهومی که بر دسترسی برابر همه شهروندان به فضاهای عمومی تأکید دارد و حضور دست‌فروشان را به یک ادعای هویتی و سیاسی تبدیل می‌کند. اگرچه این مضمون کمترین فراوانی را دارد (۲۱/۱ درصد)، از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد دست‌فروشان کنشگران فعال هستند. مقاومت آنها شکلی جدید از سیاست فضایی را نمایان می‌کند که نظم رسمی شهری را به چالش می‌کشد.

تهاجمی‌تر و مستقیم‌تر برای مقابله با کنترل شهرداری استفاده می‌کنند.	بهاشون بحث می‌کنم، حق منه.
سابقه کار: تازه‌کاران به دلیل نداشتن شبکه اجتماعی قوی، بیشتر تحت فشار هستند و راهبردهای انفرادی اتخاذ می‌کنند.	کد ۱۸: هنوز نمی‌دونم کجا برم، همه جا می‌روم.
سابقه کار: این گروه شبکه‌های همکاری قوی تشکیل داده‌اند و از راهبردهای گروهی و هماهنگ استفاده می‌کنند.	کد ۹: ما به تیم هستیم، یکی خبر بده، همه حرکت می‌کنیم.
سابقه کار: کهنه‌کاران با تکیه بر تجربه و شناخت محیط، راهبردهای پیچیده‌تر و قانونی‌تر اتخاذ می‌کنند.	کد ۲۱: من قانون رو بلدم، می‌دونم چطور حرف بزنم.

تحلیل مقاومت دست‌فروشان بر اساس جنسیت، سابقه کار و

نوع کالا در اصفهان

در این بخش از پژوهش، متغیرهای جنسیت، سابقه کار و نوع کالا به صورت تقاطعی بررسی و الگوهای مقاومت دست‌فروشان بر اساس این عوامل تحلیل می‌شوند (جدول ۶). یافته‌ها نشان می‌دهد جنسیت، تجربه کاری و ماهیت کالا نقش کلیدی در شکل‌گیری راهبردهای مقاومت دارند و هر عامل شیوه‌هایی متفاوت از مقابله با فشارهای شهری را رقم می‌زند.

۱. تحلیل مقاومت دست‌فروشان بر اساس جنسیت

زنان دست‌فروش (۸ نفر از ۱۰ مشارکت‌کننده؛ ۷۵ درصد از کدهای مقاومت پنهان، ۱۹۵ کد) بیشتر از راهبردهای غیرمستقیم، شبکه‌محور و محافظه‌کارانه استفاده می‌کنند. کدهایی مانند «بچه‌ها رو می‌فرستم پیش قراول»، «با همسایه‌ها هماهنگ می‌کنم» و «وقت کار رو عوض می‌کنم» نشان‌دهنده مقاومت هوشمندانه و تدریجی هستند. نقل قول «بچه‌هام رو می‌فرستم نگهداری بدن» بیانگر استفاده زنان از منابع خانوادگی برای حفظ حضور در فضای شهری است. این راهبردها با مضمون کلی مقاومت و ادعای حق به شهر هم‌سو هستند و نشان می‌دهند زنان با روش‌های خود حضور پایدار در شهر را حفظ می‌کنند. در مقابل، مردان (۶ نفر از ۱۰ مشارکت‌کننده؛ ۶۰ درصد از

مقایسه مضامین نشان می‌دهد طرد فضایی و انتظامی‌سازی بیشتر جنبه ساختاری دارد و بر اعمال قدرت متمرکز است؛ فشار اقتصادی و امرار معاش اقتصادی‌تر است، و مقاومت و ادعای حق شهروندی جنبه سیاسی دارد. این سه لایه - ساختار، اقتصاد و سیاست - با هم یک چرخه مقاومت ایجاد می‌کنند: شهرداری فضا را انتظامی می‌کند، این امر فشار اقتصادی را تشدید می‌کند و دست‌فروشان از طریق شبکه‌های همکاری و ادعای حقوق خود پاسخ می‌دهند. در مقایسه با جوامع دیگر، مقاومت دست‌فروشان در جهان معمولاً سازمان‌یافته و صنفی است، اما در اصفهان بیشتر فردی و شبکه‌ای است که نشان‌دهنده ضعف سازمان‌های صنفی و اتکا به روابط اجتماعی غیررسمی در ایران است.

علت تداوم حضور

تنوع کدها و نقل‌قول‌ها نشان می‌دهد دست‌فروشان اصفهان با وجود فشارهای متعدد، به دلیل سه عامل کلیدی، حضور خود را حفظ می‌کنند:

۱. ضرورت اقتصادی و امرار معاش روزانه، ۲. حس تعلق به فضا و حق به شهر و ۳. شبکه‌های اجتماعی و همکاری‌های غیررسمی برای فرار از کنترل.
- این تعامل بین فشار اقتصادی، هویت فضایی و شبکه‌های همکاری، حضور دست‌فروشان را از یک فعالیت موقت به یک حق ادعایی تبدیل کرده است. تجربه‌های زیسته نشان می‌دهند فشارهای روزانه برای بقا، همراه با راهبردهای خلاقانه و ادعای حقوق شهروندی، مقاومت هوشمندانه و پایدار را شکل می‌دهند که در نهایت، به تداوم حضور آنها در فضای شهری منجر می‌شود.

جدول ۶- الگوهای مقاومت دست‌فروشان بر اساس جنسیت و

سابقه کار با کدهای مرتبط

متغیر	توصیف تجربه	نقل قول نمونه
جنسیت: زنان	زنان دست‌فروش، به ویژه مادران، با استفاده از راهبردهای محافظه‌کارانه و شبکه‌سازی خانوادگی، مقاومتی پایدارتر نشان می‌دهند.	کد ۱۱: بچه‌هام رو می‌فرستم نگهداری بدن، وقتی شهرداری اومد خبرم کنن.
جنسیت: مردان	مردان دست‌فروش، به ویژه در سنین جوان، از راهبردهای	کد ۱۶: من فرار نمی‌کنم، می‌مونم و

رهبران شبکه تبدیل می‌شوند. این الگو نشان‌دهنده فرایند یادگیری اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در میان دست‌فروشان است.

۳. تحلیل مقاومت دست‌فروشان بر اساس نوع کالا

نوع کالای عرضه‌شده نیز راهبرد مقاومت و میزان آسیب‌پذیری را تعیین می‌کند.

فروشنندگان مواد غذایی (۷ نفر از ۱۰؛ ۷۰ درصد از کدها، ۱۶۵ کد): این گروه بیشترین انعطاف‌پذیری و تحرک را نشان می‌دهند. کدهایی مانند «غذا رو جمع می‌کنم و می‌رم» و «با ماشین کار می‌کنم» نمایانگر قابلیت تغییر سریع مکان هستند. به دلیل فسادپذیری کالا، فروشنندگان مواد غذایی مجبور به پذیرش ریسک بیشتر هستند.

فروشنندگان لباس و کفش (۶ نفر از ۱۱؛ ۵۵ درصد از کدها، ۱۳۲ کد): این گروه بیشتر از راهبردهای مخفی‌کاری و حفاظت از سرمایه استفاده می‌کنند. کدهایی مانند «کالاها رو پنهان می‌کنم» و «توی کیسه جا می‌دم» بیانگر محافظه‌کاری و کنترل ریسک هستند.

فروشنندگان صنایع دستی (۴ نفر از ۹؛ ۴۵ درصد از کدها، ۸۹ کد): این گروه کمترین میزان درگیری را دارند و راهبردهای گفت‌وگومحور را انتخاب می‌کنند. کدهایی مانند «با مأموران حرف می‌زنم» و «توضیح می‌دم که هنرمندم» نشان می‌دهند ماهیت فرهنگی کالا و وضعیت اجتماعی بهتر فشار مستقیم را کاهش می‌دهد. نوع کالا تعیین‌کننده راهبرد مقاومت و میزان آسیب‌پذیری است. فروشنندگان مواد غذایی آسیب‌پذیرترین اما انعطاف‌پذیرترین، فروشنندگان لباس محافظه‌کارترین و فروشنندگان صنایع دستی امن‌ترین گروه هستند.

الگوهای مقاومت دست‌فروشان بر اساس ارتباط بین جنسیت،

سابقه کار و نوع کالا

جنسیت و سابقه کار: زنان باتجربه (۵-۱۰ سال) قوی‌ترین شبکه‌های مقاومت را تشکیل می‌دهند، در حالی که مردان تازه‌کار آسیب‌پذیرترین گروه هستند. این امر نشان می‌دهد مقاومت در زنان تدریجی‌تر اما پایدارتر و در مردان سریع‌تر اما ناپایدارتر است.

نوع کالا و راهبرد: فروشنندگان مواد غذایی به راهبردهای تحرک‌محور، لباس‌فروشان به راهبردهای دفاعی و فروشنندگان صنایع دستی به راهبردهای گفت‌وگومحور متکی هستند. این

کدهای مقاومت مستقیم، ۱۴۸ کد) عمدتاً از راهبردهای مستقیم، مواجهه‌ای و گفت‌وگومحور بهره می‌برند. کدهایی مانند «من فرار نمی‌کنم»، «باهاشون بحث می‌کنم» و «حق منه» نشان‌دهنده مقاومت فعال و رودرو هستند. این الگو می‌تواند با نقش سنتی مردان به عنوان محافظ خانواده و مسئول اقتصادی مرتبط باشد که آنها را به سمت مقابله مستقیم با فشارهای شهرداری سوق می‌دهد. با این حال، مردان نیز در شرایط فشار زیاد، انعطاف نشان می‌دهند؛ نقل قول «وقتی زیاد فشار میارن، منم عقب می‌کشم» نمونه‌ای از اتخاذ راهبردهای منعطف است.

زنان به دلیل نقش‌های خانوادگی و ضرورت حفظ امنیت، راهبردهای محافظه‌کارانه و شبکه‌محور اتخاذ می‌کنند که در بلندمدت پایدارتر هستند. مردان، به ویژه جوان‌ترها، مقاومت را به عنوان یک حق اساسی (حق به شهر) می‌بینند و بیشتر به مقابله مستقیم متوسل می‌شوند.

۲. تحلیل مقاومت دست‌فروشان بر اساس سابقه کار

تجربه کاری نقشی مهم در تکامل راهبردهای مقاومت ایفا می‌کند.

تازه‌کاران (کمتر از ۳ سال): این گروه با تجربه محدود، بیشتر واکنش‌محور و فردی عمل می‌کنند. نقل قول «هنوز نمی‌دونم کجا برم» نشان‌دهنده سردرگمی و دسترسی محدود به شبکه‌های حمایتی است. نقل قول «فقط فرار می‌کنم» نیز بیانگر واکنش‌های آبی و آزمون‌خطاست.

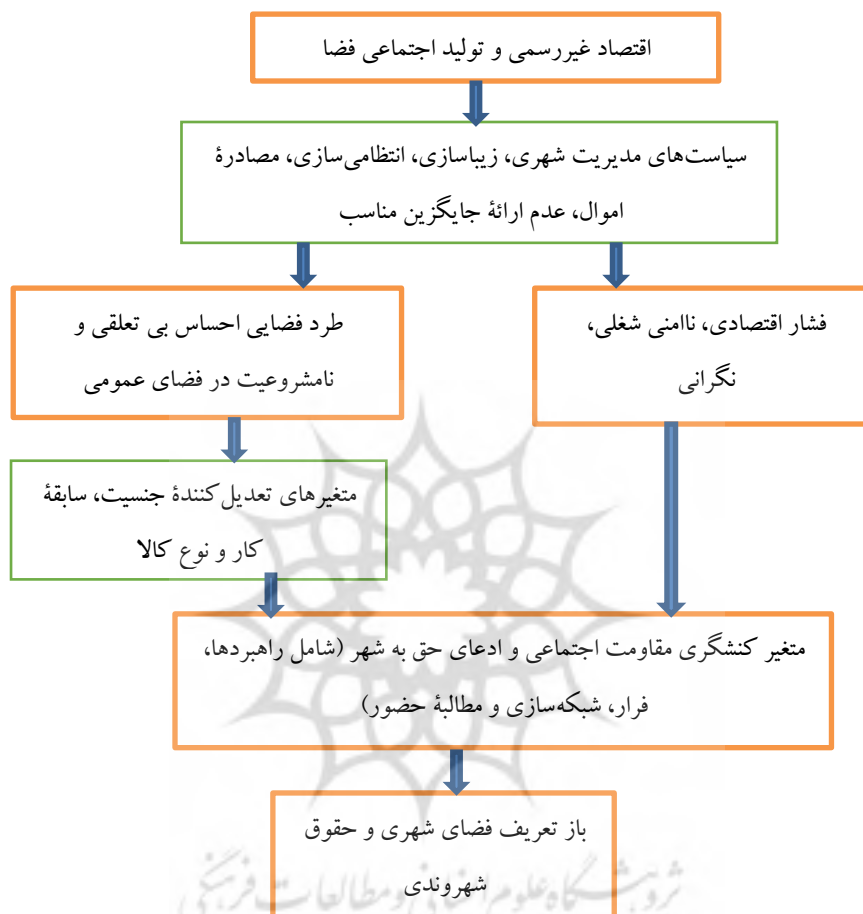
باتجربه‌ها (۵-۱۰ سال): این گروه قوی‌ترین شبکه‌های همکاری را شکل داده‌اند. نقل قول «ما یه تیم هستیم» نمایانگر هماهنگی جمعی و تقسیم کار است. آنها از راهبردهایی پیچیده مانند «نگهبان مخفی»، «تغییر هم‌زمان مکان» و «سیگنال‌دهی رمزی» استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده یادگیری جمعی و انطباق پیشگیرانه با محیط است.

کهنه‌کاران (بیشتر از ۱۰ سال): این گروه عمدتاً از دانش قانونی و مذاکره بهره می‌گیرند. نقل قول «من قانون رو بلدم» نشان می‌دهد آنها توانایی استفاده از راهبردهای حقوقی و گفت‌وگومحور را دارند. کهنه‌کاران معمولاً رهبری شبکه‌های دست‌فروشان را به عهده دارند و نقش مشاور و راهنمای سایر اعضا را ایفا می‌کنند.

تجربه کاری باعث می‌شود مقاومت از حالت فردی و واکنشی به سمت جمعی و پیشگیرانه تغییر کند. تازه‌کاران بیشتر قربانی هستند، باتجربه‌ها مقاوم‌ترین گروه هستند و کهنه‌کاران به

مقایسه با مضامین اصلی: این الگوها با مضمون مقاومت و ادعای حق به شهر (استفاده از شبکه‌های اجتماعی)، طرد فضایی و انتظامی‌سازی شهر (راهبردهای فرار) و فشار اقتصادی و بقای روزانه (تأثیر نوع کالا بر راهبرد) هم‌راستا هستند. در ادامه، نتایج یافته‌های پژوهش در شکل (۲) ترسیم می‌شود:

الگو با ماهیت اقتصادی هر نوع کسب‌وکار مرتبط است. **تعداد کدها:** تعداد زیاد کدها در زنان (۱۹۵) و فروشندگان مواد غذایی (۱۶۵) نشان‌دهنده پیچیدگی و تنوع راهبردهای آنهاست، در حالی که تعداد کمتر در کهنه‌کاران (۸۹) به راهبردهای شناخته‌شده و تثبیت‌شده اشاره دارد.



شکل ۲- مدل تعاملی تجربه زیسته دست‌فروشان در بستر اقتصاد غیررسمی و تولید اجتماعی فضا

این سیاست‌ها طرد فضایی، احساس بی‌تعلقی و نامشروعیت اجتماعی را در تجربه زیسته دست‌فروشان بازتولید می‌کنند و موقعیت آنان را در فضای عمومی به حاشیه می‌رانند. دست‌فروشان در واکنش به این فشارها و طردشدگی‌ها، از طریق کنشگری و مقاومت اجتماعی، به اشکالی متنوع از جمله جابه‌جایی مکانی، شبکه‌سازی و مطالبه حق حضور در فضاهای عمومی، سعی در حفظ جایگاه خود در بستر شهر دارند. این مقاومت‌ها بازتاب نوعی ادعای حق به شهر هستند که در آن، فضاهای عمومی نه به عنوان قلمرو انحصاری مدیریت شهری، بلکه به عنوان عرصه‌ای برای حضور، تعامل و زیست اجتماعی بازتعریف می‌شوند. همچنین، تفاوت در جنسیت، سابقه کار و

بر اساس شکل (۲)، فعالیت دست‌فروشان در بستر اقتصاد غیررسمی شهری صرفاً به مثابه یک کنش اقتصادی نیست، بلکه شکلی از تولید اجتماعی فضا به شمار می‌آید. دست‌فروشان با حضور، اشغال و استفاده خلاقانه از فضاهای عمومی، آنها را بازآفرینی و کارکردشان را بازتعریف می‌کنند و به این ترتیب، معنایی تازه در نظم فضایی شهر ایجاد می‌کنند. با این حال، سیاست‌های مدیریت شهری که عمدتاً مبتنی بر زیباسازی، انتظامی‌سازی و حذف نموده‌های غیررسمی هستند، از طریق مصادره اموال، اعمال محدودیت‌های قانونی و فقدان جایگزین‌های مناسب شغلی، سبب بروز فشار اقتصادی، ناامنی شغلی و نگرانی معیشتی در میان این گروه می‌شوند. هم‌زمان،

اوز و ادر^{xx} (۲۰۱۲) در رابطه با بازارهای دوره‌ای استانبول، شدت انتظامی‌سازی در اصفهان به دلیل هویت تاریخی و گردشگری شهر برجسته‌تر است که فشار برای «زیباسازی» را افزایش داده و طرد را به یک راهبرد غالب تبدیل کرده است. این تفاوت بستر محلی نظریه مدیریت شهری را به چالش می‌کشد، زیرا نشان می‌دهد سیاست‌های شهری در شهرهای تاریخی مانند اصفهان، بیش از آنکه پاسخ‌گوی نیازهای شهروندان باشند، در خدمت منافع گردشگری و سرمایه‌داری هستند (Harvey, 2008).

فشار اقتصادی و بقای روزانه

این مضمون بر چالش‌های اقتصادی دست‌فروشان تأکید دارد. نگرانی‌های مداوم برای تأمین معاش، مانند «فردا چی بخرم که بچه‌هام سیر بشن» و نبود امنیت شغلی، مانند «نه بیمه دارم نه مقرری»، زندگی دست‌فروشان را به یک مبارزه روزانه برای بقا تبدیل کرده است. این وضعیت با مفهوم «فقر زمانی» هم‌خوانی دارد که در آن، افراد نمی‌توانند برای آینده برنامه‌ریزی کنند و تمام انرژی آنها صرف بقای روزمره می‌شود. این یافته نظریه اقتصاد غیررسمی (Vanek et al., 2014) و مفهوم امنیت شغلی (Roever, 2014) را تأیید می‌کند، زیرا دست‌فروشی در اصفهان به عنوان یک راهبرد بقا برای اقشار کم‌درآمد عمل می‌کند، اما سیاست‌های شهری این راهبرد را با اخراج و مصادره اموال تهدید می‌کنند. این پژوهش نظریه اقتصاد غیررسمی را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد فشار اقتصادی نه فقط نتیجه ناپایداری ذاتی اقتصاد غیررسمی است، بلکه از طریق مداخلات شهری (مانند مصادره) تشدید می‌شود که به کاهش سرمایه و افزایش آسیب‌پذیری منجر می‌شود. در مقایسه با گزارش مطالعه نظارت بر اقتصاد غیررسمی در هند و روور (۲۰۱۴) در احمدآباد و لیما، فشار اقتصادی در اصفهان به دلیل فقدان حمایت‌های نهادی (مانند بیمه یا سازمان‌های صنفی) شدیدتر است که این امر نظریه امنیت شغلی را به چالش می‌کشد، زیرا نشان می‌دهد در بسترهای محلی بدون زیرساخت‌های حمایتی، دست‌فروشان در چرخه‌ای از فقر و ناامنی گرفتار می‌مانند. این تفاوت اهمیت تحلیل بستر محلی را در تکمیل نظریه‌های جهانی نشان می‌دهد.

مقاومت و ادعای حق به شهر

این مضمون نشان‌دهنده کنشگری فعال دست‌فروشان در

نوع کالای عرضه‌شده به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده، در شدت و شکل بروز این مقاومت‌ها نقش دارند. بر اساس نتایج، کنش‌های روزمره دست‌فروشان در بستر اقتصاد غیررسمی منجر به بازتولید و بازتعریف فضاهای شهری و حقوق شهروندی می‌شوند؛ فرایندی که در آن، شهر به عرصه گفت‌وگو و چانه‌زنی میان نیروهای رسمی و غیررسمی بدل می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش تجربه زیسته دست‌فروشان شهر اصفهان را در مواجهه با سیاست‌های مدیریت شهری در سه مضمون اصلی نشان می‌دهد: طرد فضایی و انتظامی‌سازی شهر، فشار اقتصادی و بقای روزانه و مقاومت و ادعای حق به شهر. این مضامین تعامل پیچیده میان ساختارهای قدرت شهری، نیازهای اقتصادی و کنشگری اجتماعی دست‌فروشان را آشکار می‌کنند. در ادامه، این یافته‌ها با تمرکز بر ارتباط با نظریه‌های اقتصاد غیررسمی، حق به شهر، مقاومت اجتماعی، مدیریت شهری و امنیت شغلی تحلیل می‌شوند و با مطالعات جهانی و محلی مقایسه می‌شوند تا چگونگی تأیید یا گسترش این نظریه‌ها در بستر محلی اصفهان نشان داده شود.

طرد فضایی و انتظامی‌سازی شهر

این مضمون که قوی‌ترین مضمون پژوهش است، نشان‌دهنده رویکرد حذف‌محور شهرداری اصفهان در قبال دست‌فروشان است. مواجهه‌های انتظامی، مصادره اموال و عدم ارائه جایگزین‌های مناسب، دست‌فروشان را به حاشیه رانده و احساس بی‌تعلقی و نامشروعیت را در آنها تقویت کرده است. نقل‌قول‌هایی مانند «مثل دزدا باهامون رفتار می‌کنن» و «بچه‌هام اون شب گرسنه خوابیدن» نشان‌دهنده خشونت ساختاری و نمادین (Bourdieu, 2014) هستند که نه فقط سرمایه اقتصادی، بلکه کرامت انسانی و امنیت روانی دست‌فروشان را هدف قرار می‌دهد. این یافته مستقیماً نظریه حق به شهر لفبور (۱۹۹۱) را تأیید می‌کند، زیرا سیاست‌های انتظامی‌سازی دسترسی برابر دست‌فروشان به فضاهای عمومی را نقض و آنها را از شهروندی فعال محروم می‌کنند. با این حال، این پژوهش نظریه لفبور را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد طرد فضایی در اصفهان نه فقط از طریق حذف فیزیکی، بلکه از طریق خشونت نمادین (تحقیر و انگ‌زنی) تقویت می‌شود که بُعدی احساسی و هویتی به نقض حق به شهر اضافه می‌کند. در مقایسه با تحلیل

دسترسی برابر به فضاهای شهری تأکید دارد. با این حال، سیاست‌های انتظامی‌سازی در اصفهان این حق را نقض و دست‌فروشان را به عنوان مانعی برای نظم شهری معرفی می‌کند. این پژوهش نظریه لغبور را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد نقض حق به شهر در بسترهای محلی مانند اصفهان، به دلیل تأکید بر گردشگری، با شدت بیشتری رخ می‌دهد و احساس بی‌تعلقی را نه فقط از طریق طرد فیزیکی، بلکه از طریق تحقیر نمادین تقویت می‌کند. این امر نظریه هاروی را به چالش می‌کشد، زیرا فقدان کنش جمعی در اصفهان، برخلاف ایده هاروی مبنی بر بازآفرینی شهری از طریق کنش جمعی، مقاومت را به سطح فردی محدود کرده است.

نظریه خشونت نمادین (Schubert, 2014): مواجهه‌های تحقیرآمیز مأموران شهرداری، مانند «فحاشی مأموران» و «رفتار غیرانسانی»، مصداق خشونت نمادین هستند که دست‌فروشان را به عنوان گروهی نامشروع و حاشیه‌ای بازنمایی می‌کند. این یافته با تحلیل اوز و ادر (۲۰۱۲) در رابطه با طرد دست‌فروشان در شهرهای جنوب جهانی هم‌خوانی دارد، اما در اصفهان، شدت این خشونت، به دلیل تأکید بر «زیباسازی» برای جذب گردشگر، برجسته‌تر است. این پژوهش نظریه بورديو^{xxi} را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد خشونت نمادین نه فقط هویت اجتماعی، بلکه کرامت انسانی دست‌فروشان را هدف قرار می‌دهد و احساس «غریبه‌بودن» (مجبی و حیدری، ۱۴۰۰) را در آنها تقویت می‌کند.

نظریه اقتصاد غیررسمی (Vanek et al., 2014): دست‌فروشی در اصفهان به عنوان بخشی از اقتصاد غیررسمی، نقش کلیدی در تأمین معیشت اقشار کم‌درآمد دارد. با این حال، برخلاف مطالعات جهانی که به نقش سازمان‌های جمعی در بهبود شرایط اشاره دارند (Roever, 2014)، در اصفهان، فقدان حمایت‌های نهادی و سازمان‌های صنفی، دست‌فروشان را در موقعیتی آسیب‌پذیرتر قرار داده است. این یافته نظریه اقتصاد غیررسمی را به چالش می‌کشد، زیرا نشان می‌دهد در غیاب حمایت‌های نهادی، اقتصاد غیررسمی به‌جای کاهش فقر، می‌تواند چرخه‌ای از آسیب‌پذیری و ناامنی را بازتولید کند.

نظریه مقاومت اجتماعی (Scott, 1985): راهبردهای خلاقانه دست‌فروشان، مانند تغییر مکان سریع و استفاده از سیگنال‌های خطر، با مفهوم «سلاح‌های ضعیفان» اسکات هم‌خوانی دارند. با این حال، برخلاف شهرهایی مانند لیما که در

برابر سیاست‌های حذف‌محور است. راهبردهای فرار از کنترل، مانند «همه فرار می‌کنیم، بعد برمی‌گردیم» و ادعای حق حضور، مانند «این خیابون مال همه ماست»، نشان‌دهنده مقاومت روزمره (Scott, 1985) و آگاهی از حقوق شهروندی هستند. این مقاومت‌ها، اگرچه عمدتاً فردی و شبکه‌ای هستند، بیانگر یک سیاست فضایی هستند که نظم رسمی شهری را به چالش می‌کشد. تفاوت جنسیتی در این مضمون جالب توجه است؛ زنان از راهبردهای محافظه‌کارانه‌تر و شبکه‌محور استفاده می‌کنند، در حالی که مردان، به ویژه جوان‌ترها، رویکردهایی مستقیم‌تر دارند. این یافته نظریه مقاومت اجتماعی اسکات (۱۹۸۵) را تأیید می‌کند، زیرا راهبردهای خلاقانه دست‌فروشان (مانند تغییر مکان و شبکه‌سازی) مصداق «سلاح‌های ضعیفان» هستند. با این حال، این پژوهش نظریه اسکات را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد مقاومت در اصفهان به دلیل فقدان سازمان‌های مبتنی بر عضویت^{xxi} مانند انجمن زنان خوداشتغال در احمدآباد (Roever, 2014)، به شکل فردی و غیررسمی باقی مانده است که این امر ظرفیت آن برای ایجاد تغییرات ساختاری را محدود می‌کند. این محدودیت نظریه حق به شهر هاروی (۲۰۱۲) را به چالش می‌کشد، زیرا در حالی که دست‌فروشان از طریق ادعای حضور، حق خود به شهر را مطالبه می‌کنند، فقدان کنش جمعی مانع از بازآفرینی فرایندهای شهری‌سازی به صورت گسترده می‌شود. در مقایسه با مطالعه هانسر (۲۰۱۶) در چین که حمایت عمومی رهگذران را به عنوان عاملی برای تقویت مقاومت گزارش کرده، در اصفهان، مقاومت بیشتر به شبکه‌های خانوادگی و غیررسمی وابسته است که این تفاوت به بافت سنتی‌تر جامعه اصفهان و ضعف ساختارهای مدنی مرتبط است. این یافته نظریه میچل (۲۰۰۳) را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد فضاهای عمومی در اصفهان نه فقط عرصه‌ای برای مقاومت، بلکه مکانی برای بازتولید هویت اجتماعی دست‌فروشان (به ویژه زنان) از طریق شبکه‌سازی هستند.

یافته‌های این پژوهش با چارچوب‌های نظری متعددی هم‌خوانی دارد، اما در برخی از موارد تفاوت‌هایی را نیز نشان می‌دهد:

نظریه حق به شهر (Harvey, 2012; Lefebvre, 1991): ادعای دست‌فروشان برای حضور در فضای عمومی، مانند «این خیابون مال همه ماست»، با این نظریه هم‌راستاست که بر

عرصه‌های مقاومت در جوامع سنتی دلالت دارد. در تقابل با مطالعات جهانی که بر موفقیت رویکردهای مشارکتی تأکید دارند (Chiu & Zhang, 2022)، سیاست‌های شهری در اصفهان همچنان بر حذف متمرکز هستند و پیشنهادهایی مانند تخصیص مکان‌های حاشیه‌ای، در عمل ناکارآمد هستند. این وضعیت نظریه‌های مدیریت شهری را زیر سؤال می‌برد و بر بازتولید نابرابری‌های فضایی از طریق سیاست‌های ناعادلانه توزیع منابع دلالت می‌کند.

نتایج این پژوهش نشان داد تجربه زیسته دست‌فروشان اصفهانی از پیوندی پیچیده میان طرد فضایی، فشارهای اقتصادی و اشکال مقاومت پدیدار می‌شود. سیاست‌های انتظامی‌سازی و زیباسازی شهری این گروه را به حاشیه می‌رانند و حقوق شهروندی آنان را نقض می‌کنند؛ هرچند دست‌فروشان با راهبردهای خلاقانه و ادعای حق به شهر، حضور خویش را در بافت شهری حفظ می‌کنند. عوامل جنسیتی، سابقه کاری و نوع کالا بر الگوهای مقاومت تأثیرگذار هستند؛ به گونه‌ای که زنان و افراد باتجربه پایداری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این نتایج بر ضرورت بازنگری در سیاست‌های شهری برای دستیابی به عدالت فضایی و به رسمیت شناختن دست‌فروشان به عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر از اقتصاد و فرهنگ شهری تأکید دارند. از دیدگاه نظری، پژوهش حاضر با تأیید و گسترش نظریه‌های حق به شهر، مقاومت اجتماعی و اقتصاد غیررسمی، بر بُعد سیاسی-فضایی دست‌فروشی در اصفهان صحنه می‌گذارد؛ جایی که این فعالیت، فراتر از یک عمل اقتصادی، به چالشی برای نظم شهری بدل می‌شود. با وجود این، محدودیت‌های ساختاری مانند فقدان سازمان‌های صنفی و تمرکز بیش از حد بر زیباسازی، پتانسیل این کنشگری را مهار می‌کنند.

پیشنادهای کاربردی

برای برطرف کردن مشکلات شناسایی شده در این پژوهش، از جمله طرد فضایی، فشارهای اقتصادی و تضعیف مقاومت‌های خلاقانه دست‌فروشان در برابر سیاست‌های حذف‌محور مدیریت شهری، و تحقق عدالت فضایی، حق به شهر و شمول اقتصادی در بافت شهری اصفهان، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱- بازنگری رویکردهای انتظامی شهرداری اصفهان با ایجاد «مناطق سبز دست‌فروشی» در فضاهای پرتدد مانند چهارباغ و نقش جهان که شامل تخصیص موقت بساط‌های سازمان‌یافته با

آنها مقاومت‌های سازمان‌یافته گزارش شده‌اند (Roever, 2014)، در اصفهان، مقاومت‌ها بیشتر فردی و مبتنی بر شبکه‌های غیررسمی هستند که نشان‌دهنده تفاوت‌های ساختاری در زمینه محلی است. این پژوهش نظریه اسکات را تکمیل می‌کند، زیرا نشان می‌دهد مقاومت‌های غیررسمی در بسترهای محلی با ضعف سازمان‌های مدنی، همچنان می‌تواند به حفظ حضور در فضای شهری منجر شوند، اما ظرفیت تغییرات ساختاری را ندارند.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین شباهت‌ها و تفاوت‌هایی جالب توجه را آشکار می‌کند که بر شرایط محلی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی تأکید دارند.

در میان شباهت‌ها، می‌توان به هم‌خوانی نتایج این پژوهش با گزارش (Roever, 2014) در رابطه با احمدآباد و لیما اشاره کرد؛ جایی که دست‌فروشان اصفهانی، مانند موارد گزارش شده، با اخراج‌های مکرر، مصادره اموال و آزارهای روزمره مواجه هستند. این تجربیات، به نوبه خود، به کاهش درآمد و تشدید فشارهای اقتصادی دامن می‌زنند. همچنین، مشابه یافته‌های محبی و حیدری (۱۴۰۰) در تهران، دست‌فروشان در اصفهان به عنوان «بیگانه» در فضای شهری تلقی می‌شوند و از حقوق شهروندی محروم می‌مانند. علاوه بر این، نتایج این پژوهش با مطالعه هانسر (۲۰۱۶) در چین هم‌سو است؛ جایی که دست‌فروشان اصفهانی از راهبردهای روزمره مقاومت، مانند جابه‌جایی مکانی و همکاری‌های شبکه‌ای، بهره می‌برند.

با این حال، تفاوت‌ها بر نقش عوامل محلی در شکل‌دهی به الگوهای مقاومت و سیاست‌گذاری تأکید می‌ورزند. برخلاف احمدآباد که در آن سازمان‌هایی همچون انجمن زنان خوداشتغال نقش کلیدی در مذاکره با مقامات ایفا می‌کنند، (Roever, 2014)، در اصفهان فقدان چنین تشکلهایی، مقاومت را به سطوح فردی و غیررسمی محدود کرده است. این امر نظریه هاروی (۲۰۱۲) را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد در غیاب زیرساخت‌های مدنی، مفهوم «حق به شهر» در بسترهای محلی به طور کامل تحقق نمی‌یابد.

در مقایسه با پژوهش صادقی فسایی و اجورلو (۱۳۹۱) در رابطه با زنان دست‌فروش مترو در تهران، زنان دست‌فروش اصفهانی بیشتر بر شبکه‌های خانوادگی برای مقاومت تکیه دارند؛ الگویی که احتمالاً ریشه در بافت سنتی‌تر جامعه اصفهان دارد. این یافته نظریه میچل (۲۰۰۳) را غنی‌سازی می‌کند و بر نقش شبکه‌های خانوادگی در تقویت فضاهای عمومی به عنوان

فضایی را در بلندمدت تضمین می‌کنند، نتایج آن به سیاست‌گذاری‌های شهری تزریق شود و شامل ارزیابی تأثیر تفاوت‌های جنسیتی و سابقه کار بر الگوهای مقاومت باشد.

منابع

- Addi, B. (2016). *The space of street vending in urban policy* [Master's thesis, Politecnico di Milano]. Politecnico di Milano Repository.
- Adaawen, S. A. (2011). *Street hawking and urban space regulation: The case of street hawkers in Accra, Ghana*. Research Repository, University of Groningen. <https://research.rug.nl/en/publications/street-hawking-and-urban-space-regulation-the-case-of-street-hawk>
- Bhowmik, S. (2005). Street vendors in Asia: A review. *Economic and Political Weekly*, 40, 2256–2264. <http://dx.doi.org/10.2307/4416705>
- Bourdieu, P. (2014). Suffering/symbolic violence. In M. Grenfell (Ed.), *Pierre Bourdieu: Key Concepts* (pp. 179–194). Acumen Publishing. <https://www.cambridge.org/core/books/pierre-bourdieu/sufferingsymbolic-violence/E7A23471D9136B86482CC9807362CF3E>
- Bromley, R. (2000). Street vending and public policy: A global review. *International Journal of Sociology and Social Policy*, 20(1/2), 1–28. <https://doi.org/10.1108/01443330010789052>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Brown, A. (Ed.). (2017). *Rebel streets and the informal economy: Street trade and the law*. Routledge.
- Chiu, Y. H., & Zhang, H. (2022). The comparative study on the management mode of the street vending in Hong Kong and Singapore. *Macro Management & Public Policies*, 4(1), 5–14. <https://doi.org/10.30564/mmpp.v4i1.4539>
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th Ed.). SAGE Publications.
- Friendly, A. (2013). The right to the city: Theory and practice in Brazil. *Planning Theory and Practice*, 14(2), 158–179. <https://doi.org/10.1080/14649357.2013.783098>
- Hanser, A. (2016). Street politics: Street vendors and urban governance in China. *The China Quarterly*, 226, 363–382. <https://doi.org/10.1017/S0305741016000278>
- Harvey, D. (1985). The urban process under capitalism: A framework for analysis. In D. Harvey, *Consciousness and the urban experience: Studies in the history and theory of capitalist urbanization* (pp. 123–131). Johns
- مشارکت مستقیم دست‌فروشان در طراحی این فضاها از طریق شوراهای محلی، به منظور کاهش مصادره اموال و تبدیل طرد فضایی به فرصتی برای سرزندگی شهری هستند.
- ۲- برنامه‌های آموزشی کوتاه‌مدت برای مدیریت ریسک‌های معیشتی و جلوگیری از چرخه فقر روزانه با راه‌اندازی صندوق حمایتی اقتصادی ویژه دست‌فروشان با همکاری شهرداری، بانک‌ها و سازمان‌های غیردولتی که تسهیلات وام خرد بدون وثیقه و بیمه‌های انعطاف‌پذیر (مانند بیمه درآمد روزانه) را برای سرپرستان خانوار و زنان ارائه دهد.
- ۳- توسعه برنامه‌های آموزشی دوجانبه برای مأموران شهرداری و دست‌فروشان، با تمرکز بر حقوق شهروندی و مهارت‌های مذاکره، از جمله کارگاه‌های میدانی در مناطق ملکشهر و نقش جهان که به منظور کاهش مواجهه‌های خشن و تبدیل آنها به تعاملات سازنده که احساس تحقیر را به حس تعلق فضایی تبدیل می‌کنند، رهبران محلی دست‌فروشان را به عنوان تسهیلگر دعوت کنند.
- ۴- ایجاد پلتفرم دیجیتال مشارکتی با هدف تقویت شفافیت و کاهش ترس از کنترل‌های انتظامی برای گزارش‌دهی ناشناس مصادره‌ها و پیشنهاد جایگزین‌های فضایی که داده‌های آن به طور مستقیم به شورای شهر اصفهان منتقل و به جبران خسارت فوری (مانند بازگرداندن اموال یا غرامت نقدی) منجر شود.
- ۵- حمایت از تشکیل و ثبت انجمن‌های صنفی دست‌فروشان با سهمیه‌بندی جنسیتی (دست‌کم ۴۰ درصد از زنان) و تخصیص بودجه سالانه برای فعالیت‌های شبکه‌سازی، مانند برگزاری بازارهای موقت فرهنگی در نقش جهان که به منظور تبدیل مقاومت‌های فردی به کنش‌های جمعی پایدار و ادعای قوی‌تر حق به شهر، دست‌فروشی را با عناصر هنری و گردشگری ادغام کنند.
- ۶- ادغام دست‌فروشی در برنامه‌های گردشگری پایدار شهرداری، از جمله طراحی تورهای «بازارهای خیابانی زنده» که دست‌فروشان را به عنوان روایتگران فرهنگی معرفی کنند و بخشی از درآمد گردشگری را به صندوق حمایتی آنها اختصاص دهند.
- ۷- اجرای مطالعات طولی و پایش سالانه تجربه زیسته دست‌فروشان با ابزارهای دیجیتال (مانند نظرسنجی‌های ماهانه) با همکاری پژوهشگران فعال در این حوزه در شهر اصفهان که به منظور ایجاد سیاست‌های پویا و مبتنی بر شواهد که عدالت

- Persian]
- Rezaei, N., & Najjari Nabi, R. (2024). A review of international experiences in organizing street vendors with an emphasis on the role of street vending in the urban landscape. *Urban Economics and Planning Quarterly*, 5(1), 154-170. <https://doi.org/10.22034/uep.2024.451998.1476> [In Persian]
- Roever, S. (2014). Informal economy monitoring study sector report: Street vendors. *WIEGO*. <https://www.wiego.org/wp-content/uploads/2019/09/IEMS-Sector-Full-Report-Street-Vendors.pdf>
- Roever, S., & Sinha, S. (2011). India's national policy on urban street vendors. *WIEGO Policy Brief*, (Urban Policies), 2. https://www.wiego.org/wp-content/uploads/2019/09/Sinha_WIEGO_PB2.pdf
- Roever, S., & Skinner, C. (2016). Street vendors and cities. *Environment and Urbanization*, 28(2), 359-374. <https://doi.org/10.1177/0956247816653898>
- Roy, A. (2005). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 147-158. <https://doi.org/10.1080/01944360508976689>
- Sadeghi Fasaie, S., & Ajoorloo, S. (2012). Sociological explanation of women's inclination towards street vending (Case study of female street vendors in the subway). *Sociological Studies*, 19(1), 79-112. <https://doi.org/10.22059/jsr.2012.56174> [In Persian]
- Schindler, S. (2016). Seeing and governing street hawkers like a fragmented metropolitan state. In *Urban informality* (Vol. 51, pp. 21-34). Springer. https://doi.org/10.1007/978-81-322-2154-8_2
- Scott, J. C. (1985). *Weapons of the weak: Everyday forms of peasant resistance*. Yale University Press.
- Sharma, A., & Konwar, D. (2014). Struggles for spaces: Everyday life of a woman street vendor in Delhi. *The Delhi University Journal of the Humanities & the Social Sciences*, 1(1), 48-59. https://www.researchgate.net/publication/348530348_Struggles_for_Spaces_Everday_Life_of_a_Woman_Street_Vendor_in_Delhi
- Schubert, J. D. (2014). Suffering/symbolic violence. In M. Grenfell (Ed.), *Pierre Bourdieu* (pp. 179-194). Acumen Publishing. <https://www.cambridge.org/core/books/pierre-bourdieu/sufferingsymbolic-violence/E7A23471D9136B86482CC9807362CF3E>
- Statistical Center of Iran. (2023). News. Retrieved from <https://amar.org.ir/news>
- Taheri Tafti, M. (2021). Analysis of officialization Hopkins University Press.
- Harvey, D. (2008). The right to the city. *New Left Review*, 53, 23-40. <https://davidharvey.org/media/righttothecity.pdf>
- Harvey, D. (2012). *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution*. Verso. <https://doi.org/10.4067/S0250-71612014000100013>
- Khademi Gerashi, M., & Akbari, H. (2024). The lived experience of Iranian women facing the phenomenon of street vending. *Consumer Behavior Studies*, 11(3), 69-94. <https://doi.org/10.22034/cbsj.2024.63358> [In Persian]
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. Nicholson-Smith, Trans). Blackwell Publishers Limited. <https://iberian-connections.yale.edu/wp-content/uploads/2020/04/The-production-of-space-by-Henri-Lefebvre-translated-by-Donald-Nicholson-Smith.pdf>
- Lefebvre, H. (1968). *Le droit à la ville*. Paris: Éditions Anthropos.
- Lefebvre, H. (1996). *Writings on cities* (E. Kofman & E. Lebas, Eds.). Blackwell Publishers.
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry* (pp. 289-331). SAGE, Thousand Oaks.
- Mitchell, D. (2003). *The right to the city: Social justice and the fight for public space*. Guilford Press.
- Mitchell, D., & Heynen, N. (2009). The geography of survival and the right to the city: Speculations on surveillance, legal innovation, and the criminalization of intervention. *Urban Geography*, 30(6), 611-632. <https://doi.org/10.2747/0272-3638.30.6.611>
- Mohebbi, M., & Heidari, A. (2021). Street vendor as a stranger. *Sociological Studies*, 28(2), 9-38. <https://doi.org/10.22059/jsr.2022.88933> [In Persian]
- Nazmfar, H., Moti'doost Komleh, A., & Molaei Heshjin, N. (2015). An analysis of the phenomenon of street vending in the city and its effects on the volume of urban pedestrian and vehicular traffic (Case study of Langarud city). *Urban and Regional Studies and Research*, 6(4), 27-48. https://urs.ui.ac.ir/article_20127.html [In Persian]
- Öz, Ö., & Eder, M. (2012). Rendering Istanbul's periodic bazaars invisible: Reflections on urban transformation and contested space. *International Journal of Urban and Regional Research*, 36(2), 297-314. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1468-2427.2011.01076.x>
- Rafatjah, M., & Rabiei, M. (2016). A study of the experience of simultaneously performing work-family roles in female-headed households with an emphasis on female street vendors in the subway. *Social Welfare Quarterly*, 16, 143-186. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2680-fa.html> [In Persian]

- policies for street vending with a discourse analysis approach. *Scientific Quarterly of Majlis and Strategy*, 28, 59-85. <https://doi.org/10.22034/mr.2021.3988.3999> [In Persian]
- Talebpour, A. (2015). Sociological explanation of the inclination towards street vending: A qualitative study (Case study of male street vendors in markets and subways in Tehran). *Cultural and Social Knowledge*, 6(3). <https://www.magiran.com/paper/1449079> [In Persian]
- Tucker, J., & Devlin, R. T. (2019). Uncertainty and the governance of street vending: A critical comparison across the North/South divide. *International Journal of Urban and Regional Research*, 43(3), 460-475. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.12792>
- Vanek, J., Chen, M., Carre, F., Heintz, J., & Hussmanns, R. (2014). Statistics on the informal economy: Definitions, regional estimates and challenges. *WIEGO Working Paper (Statistics)*, 2. <https://www.wiego.org/wp-content/uploads/2019/09/Vanek-Statistics-WIEGO-WP2.pdf>
- Vishnu, V., & Nasheer, S. K. (2024). Street vendors in India urban space – Livelihood and government initiatives. *International Journal for Multidisciplinary Research*, 6(6). <https://doi.org/10.36948/ijfmr.2024.v06i06.32649>

ⁱ IEMS

ⁱⁱ Informal Economy Monitoring Study (IEMS)

ⁱⁱⁱ MBOs

^{iv} Self Employed Women's Association (SEWA)

^v one of the oldest street vending federations in Lima

^{vi} Lefebvre

^{vii} Mitchell

^{viii} Harvey

^{ix} FEDERAL

^x Vishnu & Nasheer

^{xi} Simmel

^{xii} Chiu & Zhang

^{xiii} Adaawen

^{xiv} Hanser

^{xv} Tucker & Devlin

^{xvi} Schindler

^{xvii} Roever & Skinner

^{xviii} Lincoln & Guba

^{xix} James Scott

^{xx} Öz & Eder

^{xxi} سازمان مبتنی بر عضویت برای دست‌فروشان (غیررسمی): سازمانی که

اعضای آن دست‌فروش هستند و از حقوق و منافع آنها حمایت می‌کند (MBOs).

^{xxii} Bourdieu